



حقوق کودک و نوجوان: از تولد تا هجده سالگی

حسین رئیسی
وکیل و پژوهشگر حقوقی



حقوق کودک و نوجوان: از تولد تا هجده سالگی

حسین رئیسی
وکیل و پژوهش گر حقوقی



توانا

TAVAANA

آموزشکده الکترونیکی
برای جامعه مدنی ایران

e-collaborative

for civic education



آموزشکده الکترونیکی
برای جامعه مدنی ایران

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative
for civic education

<http://www.eciviced.org>

حقوق کودک و نوجوان:
از تولد تا هجده سالگی

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

نویسنده: حسین رئیسی

طرح روی جلد: مانا نیستانی

© E-Collaborative for Civic Education 2014

e-collaborative for civic education

ایالات متحده آمریکا، تحت 501c3 است که از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می کند. ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان، اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل دهنده ایده های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از یک جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آنها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می داند. ما دموکراسی را مجموعه ای از ارزش ها، نهادها و فرایندها می دانیم که پیشرو صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکثیر گرای و جوامعی شایسته سالار که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می گذارند، است. ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارائه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارائه دوره های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وبلاگ نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی های رهبری ارائه می شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه هایی مثل مطالعات موردی در جنبش های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل های خودآموزی، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارائه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی های آموزشکده توانا متوجه گرد آوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای محذوف است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده های آنان توسط جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه نگاری، کنشگری و فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و بر ساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه ای باز در ایران داشته باشد. سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما

مریم معمارصادقی

اکبر عطری

M. Memaradehgi

Akbar Attari

درباره کتاب

کودکان به عنوان یکی از آسیب‌پذیرترین گروه‌های جامعه نیازمند حمایت ویژه هستند. بدون تردید، شناخت حقوق کودکان به حفاظت از منافع آن‌ها کمک می‌کند. از این رو کتابچه حاضر به درخواست آموزش‌شده توانا و به منظور بررسی ویژگی‌های حقوق کودکان در ایران و در اسناد بین‌المللی، به ویژه از نظر پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک تدوین شده است. هدف عمده این نوشتار آن است تا با معرفی حقوق کودک به فراگیر شدن این حقوق، افزایش آگاهی‌های عمومی و جلب حمایت بیشتر از کودکان کمک کند.

بدیهی است که این نوع فعالیت‌ها می‌تواند گامی در راستای بهبود فضای رشد کودکان باشد. این نوشتار تنها بخشی از حوزه وسیع حقوق کودک است. امید است در آینده امکان پرداختن به سایر بخش‌های آن نیز فراهم گردد.

این کتابچه در سه بخش تدوین شده است. در بخش نخست، پس از شرح ویژگی‌ها و پیشینه حقوق کودک، مفهوم کودکی تعریف و اهمیت حقوق کودک را مورد تحلیل قرار می‌دهد. بخش دوم به حقوق بنیادین کودک اعم از حق حیات کودکان، حق مصونیت از تبعیض، برخورداری از سلامت جسم، روان و اخلاق

(مصونیت از انواع کودک آزاری) و همچنین حقوق سیاسی کودک اختصاص دارد. در بخش پایانی حقوق اجتماعی و فرهنگی کودکان شامل حق حفظ هویت، برخورداری از تابعیت و ثبت تولد، حقوق آموزشی کودکان، حق امنیت اجتماعی و منع هر نوع بهره‌کشی، کار و ازدواج کودکان مورد بررسی قرار گرفته است. امید است که این نوشتار در بهبود وضعیت حقوقی و اجتماعی کودکان، رعایت استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر درباره آینده‌سازان جامعه و حمایت از آنها در مسیر رشد و تعالی ثمربخش واقع شود.

حسین رئیسی

اوت ۲۰۱۴

فهرست

	بخش نخست: کلیات
۱۳	دیباچه
۱۵	ویژگی‌های حقوق کودک
۱۶	پیشینه حقوق کودک
۱۹	تعریف کودک
۲۱	اهمیت حقوق کودک
	بخش دوم: حقوق بنیادین کودک
۲۵	حق حیات کودکان
۲۹	تهدیدهای حق حیات کودک
۳۲	حق مصونیت از تبعیض
۳۳	تبعیض نسبت به کودکان در ایران
۳۴	تبعیض‌های هفت‌گانه با کودکان
۳۸	حق برخورداری از سلامت جسم، روان و اخلاق
۴۴	حقوق سیاسی کودک

۴۹	بخش سوم: حقوق اجتماعی و فرهنگی کودکان
۴۹	حق حفظ هویت، برخورداری از تابعیت و ثبت تولد
۵۲	حقوق آموزشی کودکان
۶۰	حق امنیت اجتماعی و منع بهره‌کشی و کار کودکان
۶۹	پیوست: پیمان‌نامه حقوق کودک

پخش نخست

کلیات

دیباچه

یکی از زیباترین، موثرترین و حساس‌ترین ایام زندگی انسانی دوران کودکی است. خوب و بد این ایام، سعادت و خوشبختی ایام بعدی را برای انسان رقم خواهد زد. همه مقدرات کودک در این دوره از زندگی او به دست والدین و اطرافیان است و کودک به دست همین اطرافیان شیرین‌ترین و تلخ‌ترین لحظات را تجربه می‌کند. کودکانی با رشد مناسب در این ایام به اعتلای لازم در بزرگسالی می‌رسند، و کودکانی نیز در نتیجه غفلت، سهل‌انگاری و یا تعمد اطرافیان دور یا نزدیک، با شکنجه، آزارهای جسمی، جنسی، و دیگر آسیب‌ها روبرو می‌شوند و آن را تا سال‌ها پیش چشم دارند. همچنین، رفتارهای خرافی، ناپسند و خودکامه با کودک می‌تواند ایام شیرین کودکی را به جهنمی برای کودک بدل سازد. در مقابل، شناخت حقوق کودک می‌تواند مانع برخی از این خودکامگی‌ها نسبت به کودکان شود.

حقوق کودک و تضمین‌های مناسب برای آن می‌تواند خودکامگی اطرافیان کودک و برخی دیگر دست‌اندرکاران امور کودکان مانند متولیان آموزش و سایرین را کنترل نماید. بی‌دلیل نیست که حقوق کودک مثل حقوق بشر غیر قابل سلب، جهان‌شمول و همیشگی است و نقض آن می‌تواند جرم و حتی از جرایم علیه بشریت

محسوب شود. بندهای «ج» و «ز» ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مصوب ۱۹۹۸ سازمان ملل، جرایم برده‌سازی، تجاوز، بهره‌کشی جنسی، ازدواج اجباری و قاچاق انسان که همه این موارد علیه کودکان نیز اتفاق می‌افتد را در زمره جرایم علیه بشریت دانسته است.

گفتمان حقوق کودک از اوایل قرن بیستم در جوامع مختلف مطرح شد و امروزه شکل پذیرفته شده و با اهمیتی به خود گرفته است. این گفتمان همان گفتمان حقوق بشر و حقوق شهروند شده است. با پیوستن اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان به کنوانسیون حقوق کودک، مصوب ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل، هر روز اهمیت این حقوق بیشتر می‌شود.

عمده مشکلاتی که در رعایت حقوق کودک بین اغلب کشورهای جهان مشترک است، مسئله حقوق آموزشی و تربیتی کودکان است. اما در عین حال مشکلات حاد امروز کودکان در برخی از مناطق جهان درگیر بودن در جنگ‌ها، بحران‌های منطقه‌ای، بردگی نوین و عواقب آن‌ها از یک طرف و مسئله فقر و گرسنگی از طرفی دیگر است. نظیر آنچه بخش‌هایی از آفریقا، کودکان سوری و برخی کشورهای فقیر آسیای جنوب شرقی (بر اساس گزارش شصت و هشتمین نشست کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل درباره قاچاق انسان) با آن روبرو هستند. اگر به کشور خودمان توجه کنیم، موضوع حقوق کودک سطوح گوناگون به خود گرفته است؛ اگر چه کودکان ما درگیر جنگ و منازعات داخلی نیستند، اما درگیر مسایلی دیگری نظیر سن مسئولیت و کار کودکان، حقوق آموزشی، فقر والدین و اعتیاد به مواد مخدر و مشکلات ناشی از آن هستند.

یادآوری این نکته نیز اهمیت دارد که حقوق کودک باید تامین‌کننده منافع و مصالح کودک باشد، نه تامین‌کننده منافع افرادی نظیر والدین و گروه‌های ایدئولوژیک و مذهبی یا دولت‌ها. بدین معنی که حقوق کودک معطوف به رشد مناسب کودک است و رشد کودک معطوف به شکوفایی واقعی او است.

بدین مناسبت طرح حقوق کودک و عمومی ساختن آن هدف عمده این نوشتار است تا بدین وسیله از یک طرف به حمایت بیشتر از کودک منجر شود و از طرفی دیگر قدمی باشد در این جهت که فضای رشد کودک به فضایی توأم با روحیه انتقادی و حرکت به سمت بهبود و توسعه تبدیل گردد.

ویژگی‌های حقوق کودک

اگر در سال ۱۳۱۳ در ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی پیش‌بینی شده است: والدین در حد تادیب حق تنبیه بدنی کودکان را دارند، امروز این موضوع به هیچ عنوان پذیرفته نیست، هرچند این قانون امروز نیز لازم الاجراء است و در بند ت ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز تکرار شده است اما این موضوع از مصادیق کودک‌آزاری شناخته می‌شود. امروز مفهوم کودک‌آزاری در همه ابعاد شناخته شده‌اش مورد نهی و نکوهش حقوقی قرار دارد.

شناخت ویژگی‌های ایام کودکی سبب می‌شود تا درک رفتارهای خودکامه و نادرست نسبت به کودک ساده نباشد. مهمترین ویژگی ایام کودکی را می‌توان در محدودیت‌های مختلف طبیعی و اجتماعی کودک و عدم توانایی او در استیفای حق خود دید. در این زمینه این نکات اهمیت دارد:

۱. ناتوانی محدودیت حقوقی ایجاد نمی‌کند: در ساختار حقوقی مبتنی بر ارزش‌های انسانی ناتوانی جسمی مانع دستیابی و دسترسی به حقوق اجتماعی نیست. از این رو، نه تنها کودکان را نمی‌توان از هیچ حقی محروم ساخت بلکه شایسته است تا حقوق انسانی آن‌ها با تضمین‌های لازم و کافی مراعات شود.

تدریجی بودن رشد کودک، تمایل خانواده و اجتماع برای تاثیر بر کودک بر اساس فهم خود، سوءاستفاده‌پذیری کودک در اثر ناتوانی، و لزوم رفع نیازهای مختلف کودکان مجموعه‌ای از حقوق مختلف با تضمین‌های شایسته را ایجاد می‌کند.

۲. مهار والدین و اطرافیان کودک در آزار رساندن به او: با وجود نقش مهم خانواده در تامین حقوق و نیازهای کودک، تجربه بشری نشان می‌دهد که کودک در محیط خانواده همواره از امنیت برخوردار نیست. جوامع مختلف بسته به شرایط خود نیز مناسبات رفتاری خود را با کودک ترسیم می‌نمایند. از این رو، کودک در خانواده چه بسا مورد آزار قرار می‌گیرد. خانواده‌ها از یک طرف نقش سازنده در تربیت کودک دارند و از طرفی دیگر هستند خانواده‌هایی که درک صحیحی از کودک ندارند و یا به دلایل گوناگون، از جمله درگیر بودن با فقر، اعتیاد، خرافات، مشکلات فرهنگی و آموزشی، کودکان را مورد آسیب‌های مستقیم یا غیرمستقیم قرار می‌دهند.

۳. دور نگهداشتن کودکان از خطرات بحران و جنگ: کودکان از آسیب‌پذیرترین گروه‌های جامعه در زمان ناآرامی و جنگ هستند. در نتیجه یکی از مباحث مهم حقوق

کودک تکلیف و توصیه به دور نگه داشتن کودکان از بحران‌ها و جنگ‌ها است و این امر به موضوعی مهم برای مقابله جهانی با این نوع آسیب‌ها تبدیل شده است. معمولاً در شرایط بحرانی و جنگ‌ها کودکان مورد سوء استفاده‌های گوناگون واقع می‌شوند و در محیط‌های کار و در تجارت سکس و قاچاق انسان مورد بی‌رحمانه‌ترین خشونت‌ها قرار می‌گیرند. در نتیجه در این شرایط حقوق کودک به صورت گسترده‌تر در معرض نقض و فراموشی قرار دارد. از این رو یکی از ویژگی‌های مهم حقوق کودک تامین سلامت کودکان و دور نگه داشتن آن‌ها از این شرایط است.

۴. تامین حقوق آموزشی و بهداشتی کودکان در همه شرایط: با پیوستن ۱۹۷ کشور به پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک، این حقوق ابعاد جهانی یافته است. این اتفاق سبب شده است تا همه حقوق کودک از جمله حقوق آموزشی و بهداشتی به منزله حقوق بشر شناخته شوند. بنابراین، هر موضوعی که مانع آموزش و رشد و شکوفایی کودک باشد و بهداشت و سلامت او را هدف قرار دهد نهي می‌شود. اولویت تامین این حقوق در همه شرایط از دیگر ویژگی‌های حقوق کودک محسوب می‌شود.

۵. تحول‌پذیری حقوق کودک: مطالعاتی که همواره در زمینه حقوق کودک و ارتقاء آن صورت می‌گیرد، تحولات زیادی را در حوزه حقوق کودک به دنبال داشته است. از یک طرف این حقوق به تغییر مناسبات کودک با خانواده و اجتماع منجر شده است و از طرف دیگر دولت‌ها را به همراهی با خود فرا می‌خواند و یا گاهی ناچار به اصلاح قوانین به نفع کودکان می‌سازد. مثلاً در زمان حاضر بدیهی است که کودک بزهکار کمتر از ۱۸ سال را باید در دادگاه‌های اطفال محاکمه نمایند و در صورت محکوم شدن نباید او را با محکومین بزرگسال نگهداری کنند؛ در حالی که در گذشته این موضوع چندان مورد توجه نبوده است. در نتیجه، تاسیس دادگاه‌های ویژه اطفال و قانون‌های اصلاح و تربیت برای نگهداری کودکان بزهکار بجای زندان، نتیجه تحول در عرصه حقوق کودک محسوب می‌شود.

پیشینه حقوق کودک

۱. سنت دینی

قدمت حقوق کودک در دنیا باید به قدمت حقوق انسانی برسد، اما چنین نیست. برخی منابع مذهبی نظیر نشریه فارسی پگاه حوزه ارگان سازمان تبلیغات اسلامی و

شفانیوز ارگان وزارت درمان و آموزش پزشکی هم زمان با انتشار یک مقاله واحد^۱، با برشمردن مواردی متفرقه از آیات قرآن و رساله‌های مذهبی مانند تحریر الوسیله آیت الله خمینی^۲ در مباحثی مانند ارث کودکان، سرپرستی کودکان یتیم، یا مخالفت اسلام با رسم زنده به گور کردن دختران در عصر پیش از اسلام، سعی نموده‌اند تا اسلام را منادی حقوق کودک معرفی نمایند، و بدین وسیله قدمت حقوق کودک را به قدمت دین اسلام بدانند. اما هیچ‌یک از موارد عنوان شده همه حقوق کودک را بدون تعارض مطرح نمی‌سازند.

درباره نقش ادیان در پیشینه حقوق کودک باید به اختصار گفت که ادیان مختلف به خصوص دین اسلام به برخی از حقوق کودک توجه نشان داده‌اند. در این خصوص می‌توان به دستورات مذهبی درباره حقوق کودکان یتیم یا حفظ حق حیات کودکان، حقوق مالی آن‌ها که در اسلام به عنوان نفقه اولاد یاد می‌شود و حق ارث کودک، حتی حق ارث جنین مشروط به زنده متولد شدن، اشاره داشت. با این وجود، رویکرد ادیان به حقوق کودک فاقد ساختار مناسب و مبتنی بر نیاز کودک است. عمده هدف ادیان تربیت دینی کودکان است تا تامین حقوق آن‌ها. در مقررات شرعی قتل کودک به دست پدر و یا پدر بزرگ نفی نشده است و برای آن مجازات متناسب در نظر گرفته نشده است. یا چنان ولایت پدر بر کودک گسترده فرض شده است که به مالکیت او بر کودک ختم می‌شود. مثلاً بر اساس دستورات اسلام، دختر خردسال بوسیله پدر در سنین طفولیت می‌تواند به ازدواج هر مردی درآید.^۳ در موردی دیگر نادیده گرفتن حقوق کودکان تولد یافته در خارج از ازدواج است که در موازین شرعی به عنوان کودکان نامشروع شناخته می‌شوند. بسیاری از حقوق اجتماعی نسبت به چنین کودکانی دریغ می‌شود. به طور نمونه این دسته از کودکان ملحق به پدر و مادر خود نیستند و از آن‌ها ارث نمی‌برند.^۴

۲. حقوق مدرن

آنچه امروز به عنوان حقوق کودک می‌شناسیم ابتدا پس از جنگ بین‌الملل اول

۱. محمد حسین طارمی، «فقه کودک»، نشریه پگاه حوزه، شماره ۳۰۲، بازنشر شده در وبسایت شفانیوز وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، بهمن ۱۳۹۱.

۲. روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ترجمه سید محمد باقر همدانی، ج ۴، کتاب الارث مسئله اول.

۳. خمینی، همان، ج ۴، کتاب نکاح مسئله ۱۲.

۴. خمینی، همان، ج ۴، کتاب ارث، مانع چهارم ارث مسئله اول.

در سال ۱۹۲۴ مطرح شده است.^۱ سابقه حقوق کودک به بنیادی که برای محافظت از کودکان یتیم و بی‌خانمان در بریتانیا تاسیس شده بود، باز می‌گردد. با خاتمه جنگ بین‌الملل اول در سال ۱۹۱۹ جمع زیادی از کودکان بی‌خانمان و یتیم در کشورهای درگیر جنگ رها بودند. برای مساعدت به این کودکان با تشکیل جامعه ملل در سال ۱۹۱۹ کمیته محافظت از کودکان شکل گرفت. اولین اعلامیه حقوق کودک در سال ۱۹۲۴ در ژنو در ۵ ماده به تصویب دولت‌های عضو جامعه ملل رسید. این اعلامیه مبنایی برای اعلامیه ۱۹۵۹ سازمان ملل متحد درباره حقوق کودک و اعلامیه جهانی حقوق کودک در ۱۹۸۹ بود. در اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ و میثاق‌های بین‌الملل حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ سازمان ملل نیز موضوع حقوق کودک مطرح شده است و مبنای رفع تبعیض از کودکان در آن‌ها آمده است.^۲

۳. در ایران

پیشینه حقوق کودک در ایران به دو بخش مشخص تقسیم می‌شود. بخش اول قبل از پیوستن ایران به پیمان‌نامه حقوق کودک و بخش دوم پس از پیوستن به پیمان‌نامه مزبور است.

در بخش اول شاهد نظام حقوقی مشخصی برای برشمردن حقوق و ایجاد تضمینات مناسب برای آن نیستیم، و معمولاً در قوانین متفرقه مواردی درباره کودک مشاهده می‌کنیم. به طور مثال می‌توان به ماده ۱۶ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹ که به شرایط سلب حق قیمومیت از والدین در صورت تخلف و خیانت نسبت به حقوق کودک، و قانون تاسیس کانون‌های اصلاح و تربیت و آیین‌نامه آن در سال ۱۳۴۷ اشاره کرد.

همچنین می‌توان به قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ایرانی مصوب سی تیرماه ۱۳۵۱ اشاره کرد. به موجب این قانون حق آموزش کودکان مورد حمایت قرار گرفته و آموزش اجباری می‌شود.

در بخش دوم که به پیوستن ایران به پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک در سال ۱۳۷۳ باز می‌گردد، به تدریج دادگاه‌های اطفال به موجب قانون آیین دادرسی

1. Geneva Declaration of the Rights of the Child, 1924, Adopted 26 September, 1924, League of Nations.

2. Trevor Buck, International Child Law, Cavendish Publication Ltd, UK, 2010, p. 23.

کیفری مصوب ۱۳۷۸ در سیستم قضایی وارد شد.

در پیشینه حقوق کودک در ایران می‌توان پیوستن به پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ را نقطه عطف دانست. از این رو این اتفاق نقطه عطف تاریخی است که از یک طرف، با وجود عدم التزام نظام جمهوری اسلامی به رعایت کامل همه مقررات آن، بخش‌هایی از این پیمان‌نامه مانند ممنوعیت کار کودکان، تفکیک دادگاه‌های اطفال از سایر دادگاه‌ها و پذیرش سن ۱۸ سالگی برای تفکیک بین کودکان بزهکار و بزرگسالان و اقداماتی از این قبیل، به ایجاد تحول، ولو اندک، در حقوق کودک منجر شده است و نظارت بین‌المللی را در زمینه حقوق کودک در ایران افزایش داده است. از طرف دیگر، این سند یکی از معتبرترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر از نظر تعداد کشورهایی که بدان پیوسته‌اند شناخته می‌شود و ساختار حقوقی این سند شامل حقوق همه جانبه کودک و تضمین‌های داخلی و بین‌المللی است.

گرچه مهم‌ترین تحول در حوزه حقوق کودک در ایران، پیوستن این کشور در سال ۱۳۷۳ به پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک است اما این پیوستن همراه با حق شرط یا رزرو است. منظور از حق شرط یا رزرو این است که دولت ایران پذیرش پیمان‌نامه حقوق کودک را مشروط به انطباق آن با مقررات اسلامی کرده است. بر اساس این شرط ایران حق دارد آن بخش از پیمان‌نامه را که با مقررات شریعت اسلام همسان نیست اجرا ننماید. این حق شرط کلی است و محدود به یک ماده و یا یک فصل مشخص از پیمان‌نامه نمی‌شود. از این رو، محدودیت‌های جدی برای اجرای مقررات پیمان‌نامه در ایران فراهم شده است. مثلاً از ابتدای این سند که کودک تعریف شده و سن کودکی معین می‌شود تا ماده ۳۷ پیمان‌نامه که حکم به مجازات اعدام و حبس ابد برای کودکان و نوجوانان را ممنوع اعلام می‌کند، محل مناقشه با احکام شرعی است. همین موضوع سبب شده تا علی‌رغم ممنوعیت اعدام کودکان، در سال‌های اخیر شاهد اعدام نوجوانانی کمتر از ۱۸ سال باشیم. نگارنده عهده‌دار دفاع در پرونده‌های متعددی از کودکان در معرض احکام اعدام به عنوان وکیل در ایران بوده است. در ادامه جزئیات بیشتری از قوانین داخلی و بین‌المللی ناظر بر حقوق کودک را مورد بررسی دقیق‌تر قرار خواهیم داد.

تعریف کودک

یکی از مناقشه‌برانگیزترین مباحث پایه‌ای در حقوق کودک در نظام جمهوری اسلامی ایران تعریف دوره کودکی و حقوق و پیامدهای ناشی از آن است. از این رو،

تعریف کودک کی مناقشه برانگیز است. حقوق ایران به تبعیت از فقه امامیه مرز کودک و بزرگسالی را بلوغ می‌داند.^۱

تعریف حقوقی از «کودک» با اصلاح ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی در سال ۱۳۶۱ نه به عنوان تعریف کودک بلکه به عنوان تعیین سن مسئولیت وارد حقوق ایران شده است. بر اساس این تعریف، مرز بین مسئولیت و عدم مسئولیت فردی در عبادات و در حقوق ۹ سال تمام قمری برای دختران و ۱۵ سال تمام قمری برای پسران دانسته شده است.

اگر بخواهیم شاخصی برای کودکی و تفکیک آن از بزرگسالی ارائه دهیم، همین مساله مسئولیت است. مرز بزرگسالی و کودکی استقلال در تصمیم‌گیری و مسئول بودن در قبال اعمال و رفتار است. اما مشکل در تعیین مرز است.

البته در تعیین سنین یاد شده در قوانین ایران اماره [نشانه] قانونی «بلوغ» فرض شده است و مرز کودکی همانا زمان بلوغ در نظر گرفته می‌شود، خواه قبل از ۹ سالگی و یا پس از آن باشد. اما مفاد ماده یاده شده دلالت بر اماره بودن سن دارد.^۲

تاکنون بصورت روشن هیچ سند حقوقی کودکی و مرز دقیق آن با بزرگسالی را تعریف نکرده است. پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک در ماده اول خود می‌گوید: «از نظر این کنوانسیون منظور از کودک افراد زیر سن ۱۸ سال است.»^۳ اما این سن را شاخص پایان کودکی نمی‌داند بلکه از حیث حقوقی که به رسمیت می‌شناسد و به کشورهای عضو توصیه می‌کند، محدوده شمول و یا عدم شمول این حقوق را ۱۸ سالگی می‌شمارد. در سال ۲۰۰۰، پروتکل اختیاری به میثاق بین‌المللی حقوق کودک افزوده شد که سن به کارگیری کودکان در ارتش به صورت داوطلبانه و اجباری و همچنین خرید و فروش کودکان و هرزه‌نگاری از آن‌ها را ممنوع می‌کند و مجدداً بر سن ۱۸ سالگی تاکید دارد. ایران در سال ۲۰۰۷ این پروتکل را امضا کرده است. ماده اول پیمان‌نامه حاوی یک ایراد حقوقی هم هست زیرا که در ادامه می‌گوید: «مگر اینکه طبق قوانین قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده

۱. عبادی، شیرین؛ نگاهی به مسایل حقوق کودک در ایران، تهران، نشر روشنگران، ۱۹۹۰.

۲. ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی (الحاقی ۶۱/۱۰/۸): هیچ‌کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد. تبصره یک: سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است. تبصره دوم: اموال صغیری را که بالغ شده است در صورتی می‌توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد.

۳. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: «وضعیت سن رشد و بلوغ در قوانین فعلی ایران»

شود.» اضافه شدن این مطلب تردید ایجاد می کند که به طور قاطع مرز کودکی و بزرگسالی کجاست. در اینجا نیز با «اماره» کودکی و بزرگسالی روبرو هستیم نه یک سن قاطع و روشن. منظور از اماره این است که بلوغ به عنوان یک فرآیند از زندگی کودکی با علایم مختلف که در فواصل سنی مختلف ممکن است در کودک ظاهر شود، ملاک و نشانه تشخیص کودکی از بزرگسالی است.

ایرادی که این شیوه تعریف بجا خواهد گذشت وقتی معلوم می شود که به سن بزهکاری می رسیم. سن بزهکاری در قوانین مربوط به نوجوانان امروزه پایین است و ۱۴ سالگی و یا کمتر نیز در قوانین کشورهای مختلف وارد شده است. و این ایراد حقوقی دستاویزی است برای کشورهایی که حقوق اسلامی را دنبال می کنند تا مجازات بر اساس سن بلوغ شرعی را توجیه نمایند.

تعیین هجده سالگی به عنوان مرز کودکی و بزرگسالی به طور یقین و مشخص بخش مهمی از جامعه را به عنوان کودک تعیین می کند و به موجب مفاد پیمان نامه جهانی حقوق کودک، حقوق مهمی را برای این دسته از افراد جامعه رقم می زند. از این طریق معیار حداقلی از حقوق کودک به طور یکسان در اختیار جوامع مختلف قرار می گیرد.

درست است که رشد انسانی تدریجی است و مرز دقیقی را نمی توان برای بزرگسالی و کودکی در همه جوامع و شرایط ترسیم نمود، اما قدر مسلم افراد کمتر از ۱۸ سال بحران های ناشی از شرایط نوجوانی و کودکی را با خود دارند و از حیث حمایت های ویژه حقوقی همه افراد تا سن ۱۸ سالگی به مساعدت در راستای دستیابی به شرایط مطلوب نیاز دارند.

سرانجام، در تعریف کودکی می توان گفت کودکی یک فرآیند است که از ابتدای تولد تا هجده سالگی را در بر می گیرد و افراد تحت تاثیر این فرآیند و حقوق ویژه این ایام قرار دارند. بنا بر سنتی که در پیمان نامه حقوق کودک و مقررات بسیاری از کشورها آمده است، منظور ما از کودک در این نوشتار افراد زیر هجده سال است.

اهمیت حقوق کودک

اهمیت اولیه حقوق کودک در مقایسه با بزرگسالان به طور خلاصه از این قرار است:

۱. کودکان قادر به دفاع از خود نیستند: ناتوانی جسمی کودکان به خصوص در سال های اولیه زندگی آن ها را در معرض خطر جسمی و روحی و عدم تامین

نیازهای معطوف به رشد و شکوفایی انسانی قرار می‌دهد. عمده مسئولیت خانواده، جامعه و دولت در قبال کودک ناشی از آسیب‌پذیری و محق بودن به برخورداری از حق حمایت و دفاع است.

۲. کودکان قادر به تامین حقوق خود نیستند: ناتوانی جسمی و طبیعی کودک او را در مقابل حوادث طبیعی و خطرات انسانی ناتوان می‌سازد. از این رو، همان‌طور که در روابط بزرگسالان نمی‌توان صرفاً به اصول اخلاقی تکیه کرد کودکان نیز چنین‌اند و باید برای آن‌ها حقوق تعریف شده داشت. حقوق کودک از این رو اهمیت دارد که فراتر از فرامین اخلاقی به مقررات جامع همراه با تضمین‌های بایسته برای محافظت جسمی، روحی، اخلاقی، عاطفی و جنسی کودکان می‌پردازد.

۳. کودک در قبال حقوق فاقد مسئولیت است: حق محوری در عرصه حقوق کودک یکی از امتیازات حقوق کودک است، چون در قبال حقوقی که برای کودک در نظر گرفته می‌شود، از او انتظار انجام کار و یا خودداری از انجام کاری نباید داشته باشیم. از این جهت فارغ از اینکه کودک چه پاسخی به حقوق خود می‌دهد و یا می‌تواند بدهد، همواره او را شایسته این حقوق می‌دانیم.

۴. ایام کودکی نسبتاً طولانی است: اگر فرض کنیم زندگی متوسط در جهان ما هشتاد سال باشد، حدود یک چهارم از این ایام را دوران کودکی و نوجوانی شامل می‌شود. در طول این دوره ۱۸ ساله کودک در معرض آسیب‌های مختلف خواهد بود. از این رو، کودک باید در طول دوران کودکی مورد محافظت همه جانبه قرار گیرد. مثلاً در نوزادی نیازهای نخستین او اهمیت بیشتری دارد و در نوجوانی مصونیت از بردگی جنسی، هرزه‌نگاری، کار کودکان و درگیر شدن با جنگ و مصائب و پیامدهای آن اهمیت بیشتری خواهد داشت.

به تناسب رشد کودک معمولاً در درون برخی خانواده‌ها و یا اجتماع و گروه‌ها از کودکان انتظاراتی دارند. نوزاد را نمی‌توان به ازدواج اجباری داد، اما دختر سیزده و یا چهارده ساله را می‌توان مجبور به ازدواج نمود. حقوق با درک اهمیت این دوران کودک را در مقابل آسیب‌ها مورد حمایت قرار می‌دهد.

۵. کودک در مسیر رشد و شکوفایی قرار دارد: مراحل رشد کودک تدریجی است و میزان تاثیرپذیری کودک در این مراحل بیش از سایر سنین است. بنابراین، کودک متناسب با این مراحل باید از حقوق خاصی بهره‌مند شود و مانعی در مسیر رشد او برای شکوفایی استعدادها و علایق او قرار نگیرد. حقوق کودک تضمین مناسب را برای برخورداری کودک از حق رشد و شکوفایی ایجاد می‌کند.

۶. میزان آسیب‌پذیری کودکان بیش از سایر رده‌های سنی است: کودکی

ایام مهم زندگی است و آسیب‌های احتمالی این ایام بر جان و روان کودک تاثیر بیشتری بر جای خواهد گذاشت. برای کودکی که در اثر جنگ و یا رفتارهای ناشی از آن پاهایش هنگام بازی روی مین جا می‌ماند، اهمیت حقوق در ایام قبل از آن است و پس از آن دنیای او واژگون خواهد شد. بنابراین، حقوق در همه ایام باید پیشگیری‌کننده آسیب‌ها و تضمین‌کننده رعایت کودکان باشد. کودکی که در سنین خردسالی مورد تجاوز و یا آزار جنسی قرار می‌گیرد، چنان دچار صدمات روحی می‌گردد، که برای همیشه آثار ناصواب این تجاوز در برابر چشم اوست و بزرگسالی او نیز بدین وسیله دچار آسیب خواهد شد.

بنابراین، از یک سو در رده‌های سنی مختلف به تناسب میزان آسیب‌پذیری کودک، برخی حقوق او اهمیت بیشتری خواهد داشت. مثلاً برای کودک زیر پانزده سال مسئله محافظت در قبال کار مهم است و برای کودکی که در شرایط آموزشی قرار دارد موضوع آموزش مهمتر است. به همین ترتیب، کودک در جنگ حق حیات‌اش مهمتر است تا حق آموزش. یا نوزاد در شرایطی قرار دارد که حق حیات او از دیگر حقوق اهمیت بیشتری خواهد داشت.

در عین حال، هیچ‌یک از حقوق بنیادین کودک تعطیل‌بردار نیست و تدریجی الحصول نمی‌تواند باشد. همه حقوق کودکان در همه شرایط باید تامین و تضمین گردد. اهمیت برخی از دوران‌های زندگی به سبب میزان آسیب‌پذیری بیشتر کودک در شرایط خاص است.

۷. کودکان در مجاورت بزرگسالان فرآیند اجتماعی شدن را طی می‌کنند و فرا می‌گیرند: به دلیل این که کودکان از بزرگسالان جدا شنی نیستند، همین موضوع از یک طرف آن‌ها را در شرایط ویژه قرار می‌دهد که از بزرگسالان روند اجتماعی شدن را فراگیرند، و از طرفی دیگر همین بزرگسالان می‌توانند کودک را مورد آسیب‌های مختلف و سوء استفاده‌های گوناگون قرار دهند.

فقر و تنگدستی والدین معمولاً یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار بر کودکی و حقوق کودک است. از این رو، مجموعه حقوق کودک با استفاده از مکانیزم‌های حقوقی باید شرایطی را فراهم نماید تا همه کودکان بدون توجه به شرایط اجتماعی آن‌ها از همه حقوق بهره‌مند شوند.

«کودکان امروز شهروندان بزرگسال فردا» هستند و نمی‌شود این را از نظر دور داشت. اما این عبارت به منزله تربیت انسان‌هایی مطیع در مقابل بزرگترها و دولت و فرامین آن‌ها نیست.

بخش دوم

حقوق بنیادین کودک

در این بخش به آن دسته از حقوق کودک و استانداردهای آن می‌پردازیم که به موجب مفاد پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک به عنوان حقوق اولیه انسانی درباره کودک شناخته شده‌اند. نقض این حقوق هستی و رشد متعارف کودک را با آسیب مواجه خواهد کرد. این حقوق به حقوق تامین‌کننده نیازهای ضروری کودک معطوف است.

حق حیات کودکان

حق زندگی شایسته و مصون بودن از سلب حق حیات یکی از بنیادی‌ترین حقوق کودک است. کودک در مراحل نخست کودکی و نوزادی بیش از سایر مراحل زندگی در معرض نقض این حق قرار دارد. جنگ، ترور، بلایای طبیعی، رفتارهای غیرعمدی، غفلت، سهل‌انگاری و یا بعضی مواقع رفتارهای عمدی برخی والدین و سرپرستان کودکان بیش از همه زندگی کودکان را هدف قرار می‌دهد. برای محافظت همه جانبه از حق حیات کودکان، حقوق کودک تمهیداتی در سطوح داخلی و بین‌المللی پیش‌بینی می‌کند. این تمهیدات می‌تواند در قالب رهنمودها و اقدامات عملی، تضمین‌ها و ضرورت‌های آموزشی باشد.

نگاه به آمار مسائلی که حق زندگی کودکان را سلب و یا تهدید می‌کند، ضرورت توجه جدی‌تر به مقوله حیات کودکان را آشکار می‌سازد. در ده سال گذشته ده میلیون کودک در جهان به دلیل جنگ کشته شده‌اند، بیش از یک میلیون کودک یتیم شده و بیش از شش میلیون کودک دچار جراحات‌های جدی و نقض عضو شده‌اند.^۱



مانا نیستانی، اعدام کودکان

چنانچه در ادامه خواهیم دید، حق حیات کودکان در برخی از قوانین داخلی ایران و قوانین بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. دسته‌ای از مقررات داخلی ایران اما به نحو شایسته حقوق کودک را تامین و تضمین نمی‌کنند، و کودکان را در معرض آسیب جدی و سلب حق حیات قرار می‌دهد. مانند آنچه در ماده ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی جدید (مصوب ۱۳۹۱) در تعیین سن ۹ سال برای دختر و ۱۵ سال برای پسر به عنوان سن مسئولیت کیفری تعیین شده است یا ماده ۳۰۱ همین قانون که مجازات پدر یا جد پدری را در قتل کودک خود بسیار ناچیز تعیین نموده است. حق حیات کودک در نظام‌های حقوق مختلف به رسمیت شناخته شده است، اما

۱. پیمان‌نامه جهانی کودک مصوب ۱۹۸۹ مجمع عمومی را در اینجا و پروتکل الحاقی آن را در اینجا می‌توانید ملاحظه کنید.

تفاوتی که دیده می‌شود ناشی از نوع نگاه به کودک و سن کودکی است. در مبانی حقوق اسلامی حق حیات کودک به رسمیت شناخته شده است. برای آگاهی از این موضوع می‌توان به مواردی که قرآن درباره حرمت کشتن کودکان برای تنگدستی و منع زنده به گور کردن دختران آورده است اشاره نمود. آیه ۱۵۱ سوره انعام قتل کودکان را به دلیل تنگدستی نادرست دانسته است. زنده به گور کردن دختران نیز از نمادهایی است که قرآن از عادات قبایل عرب یاد کرده و در آیات ۱۴۰ سوره انعام، ۹ و ۸ سوره تکویر به مخالفت با آن می‌پردازد.

بسیاری از مفسرین قرآن این سخنان را دلیلی برای حفظ حق حیات کودکان در اسلام می‌دانند.^۱ اگر چه این آیات در زمان خود به مصادیقی از حق حیات کودکان پرداخته، اما همه جوانب حیات کودک بوسیله قرآن و شریعت اسلامی مورد حمایت قرار نگرفته است و چالش‌هایی جدی درباره مصادیقی که اجرای حکم اعدام در قرآن برای قصاص نفس (در قتل عمدی) محاربه، و ارتداد در قرآن و احادیث آمده است، و مواردی که به عنوان حدود در شریعت اسلام است، مانند اعدام در برخی جرایم جنسی یاد کرد.

تمام احکام حقوقی قرآن و شریعت یا حدود اسلامی و قصاص شامل تمام افرادی که به حد بلوغ شرعی رسیده باشند، خواهد شد. تعیین حد بلوغ شرعی ۹ و ۱۵ سال موجب کوتاه کردن ایام کودکی است و با بزرگسال فرض کردن او می‌تواند کودکان را با مجازات مرگ روبرو سازد.

تفاوتی بین بزرگسال و کودک بعد از ۹ سالگی برای دختران و ۱۵ سالگی برای پسران در شرع اسلام در نظر گرفته نشده است. مثلاً در جرایم جنسی و سایر جرایم مشمول حدود اسلامی در صورت ارتکاب و تکرار بیش از سه بار (مانند مصرف مشروبات الکلی) تمام افراد از جمله کودکان با خطر مجازات مرگ روبرو خواهند بود.^۲ بنابراین، بر اساس شریعت اسلامی، کودکان بر اساس سن بلوغ بزرگسال شناخته می‌شوند. از این رو، نمی‌توان موازین اسلامی را در حمایت همه جانبه و جدی از حق حیات کودکان تقسیم‌بندی نمود.

دیدگاه اسلامی در مقررات جاری جمهوری اسلامی ایران با استناد به اصل چهارم قانون اساسی وارد شده است. این اصل بر لزوم انطباق همه مقررات موضوعه

۱. جزئیات آمار کودکان سرباز و درگیر در جنگ‌ها را از اینجا ببینید.

۲. حمید آگاه، «قرآن حق حیات، چالش‌های موجود»، دانش‌نامه موضوعی قرآن. قابل دسترس

در اینجا.

ایران با قوانین اسلامی تاکید می‌کند.^۱ با این اصل، شاهد آن هستیم که در مقررات کیفری ایران کودک کمتر از هجده سال از همه حقوق موضوع پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک و از جمله حمایت از حق حیات برخوردار نیست. به موجب قانون مجازات اسلامی جدید، در ماده ۱۴۷ کودک دختر بالای ۹ سال و پسر بالای ۱۵ سال رشید محسوب شده است و می‌گوید: «سن بلوغ در دختران و پسران به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است.» و تنها در جرایم موجب حد و قصاص در صورتی که رشد او مورد تردید قرار گیرد، به استناد ماده ۹۱ همین قانون بصورت نسبی امکان‌رهایی از مجازات مرگ در قصاص و مجازات‌های حدی و برخورداری از تضمین‌های حقوق کودک را برای کودکان فراهم ساخته است. ماده ۹۱ مقرر داشته است: «در جرایم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آن‌ها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند.» با این همه، برای آن گروه از افراد زیر هجده سال که امکان دفاع از خود را ندارند و یا تشخیص بلوغ و رشد آن‌ها به خوبی انجام نشود، مواجه شدن با مجازات مرگ منتفی نیست.

بنابراین، کودک، و کودکی، چنانکه در پیمان‌نامه حقوق کودک آمده با کودک چنانکه در موازین شرعی اسلامی و در قوانین ایران کنونی آمده و تعریف می‌شود، یکسان نیستند. در نتیجه، در مقررات جمهوری اسلامی ایران و موازین اسلامی، حق حیات کودک مورد حمایت و تضمین کافی قرار ندارد و برخلاف ماده ۳۷ پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک که اعمال مجازات مرگ و حبس ابد را درباره کودکان تا هجده سالگی ممنوع نموده است، درباره کودکان ایرانی موازین اسلامی اعمال می‌گردد.

قطع نظر از اینکه با اعمال مجازات اعدام برای کودکان حق حیات آنان نفی شده است و آن‌ها در معرض نقض این حق قرار دارند، درباره کودکی که به دست پدر و یا جد پدری خود کشته شود نیز رفتار حاوی تبعیض از سوی قانون مجازات اسلامی در ایران دیده می‌شود. در ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۱ آمده است: «قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب پدر یا از اجداد پدری مجنی

۱. اصل چهارم قانون اساسی: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهاء شورای نگهبان است.

علیه نباشد و مجنی علیه عاقل و در دین با مرتکب مساوی باشد.» بنابراین، مجازات پدر و یا جد پدری که فرزند خود و یا نوه خود را عمداً بکشند، با دیگران برابر نیست. چون مجازات قتل عمدی، قصاص نفس یا اعدام است، اما در قانون مورد اشاره پدر و جد پدری در قتل عمدی فرزند خود استثنا شده‌اند. در چنین شرایطی صرفاً جهت جلوگیری از تکرار این نوع رفتارها، مجازات تعزیری سه تا ده سال حبس برای چنین پدر و یا پدر بزرگی در نظر گرفته شده است. این موضوع کودکان را در خانواده‌ها با شرایط عدم حفظ حق زندگی روبرو ساخته است.

اسناد بین‌المللی حقوق بشر حق زندگی را پیش و بیش از همه مورد حمایت قرار داده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده سوم این حق را چنین طرح می‌کند: «هرکس حق زندگی و آزادی و امنیت شخصی دارد.» میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز حق حیات کودک را مورد توجه قرار داده است و در بند اول از ماده ششم آن بیان می‌دارد: «حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است.» مهمترین اتفاق درباره این حق در ادامه بندهای ماده ششم میثاق رخ داده است. به موجب این قانون بین‌المللی، هر آنچه ابزار و یا مصداق تهدیدکننده این حق است، هدف قرار گرفته و محدود شده است.

پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک نیز در ماده ششم خود به تبعیت از سایر اسناد مورد اشاره بین‌المللی حق حیات را از حقوق ذاتی کودک دانسته است و در ماده ششم هر آنچه که برای تضمین حقوق کودک لازم است را از دولت‌های امضاء کننده، درخواست کرده است. این قانون تضمین حق بقا و پیشرفت کودک را توأم مطرح می‌نماید و هر رفتاری که به این حق آسیب وارد سازد و یا رشد کودک را مختل کند نهی می‌کند. ماده ششم پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک مقرر داشته است: «کشورهای عضو حق ذاتی تمام کودکان را برای زندگی به رسمیت می‌شناسند. کشورهای عضو بقا و رشد کودک را تا حد امکان تضمین خواهند کرد.»

تهدیدهای حق حیات کودک

مهمترین تهدیدات حق حیات کودکان از این قرار است:

۱. جنگ: چنانچه پیشتر اشاره شد تهدید حق حیات کودکان در جنگ‌ها بیش از دیگر موارد است. حق زندگی کودکان از چند راه با جنگ و آثار آن مورد تهدید و نقض قرار می‌گیرد.

جنگ‌های امروزی عمدتاً از راه دور هدایت می‌شوند. به هر میزان که جنگ

رو در رو نباشد، امکان خطا در آن بیشتر است، در نتیجه غیر نظامیان هدف حملات بیشتری قرار خواهند گرفت. کودکان بنا به دلالی که پیشتر بیان کردیم، بیش از سایر مردم در معرض آسیب مستقیم از چنین جنگ‌هایی هستند.

گروه مطالعاتی آکسفورد بریتانیا خبر می‌دهد که تا پایان سال ۲۰۱۳ بیش از ۱۱ هزار کودک سوری در جنگ کشته شده‌اند. همچنین بی بی سی به نقل از یونیسف از افزایش ۲۷ درصدی شمار تلفات کودکان در افغانستان در سال ۲۰۱۳ خبر می‌دهد. ۲. کودک سرباز: بجز آسیب ناشی از جنگ، شرکت در جنگ هم از دیگر خطرات برای کودکان است. اگر چه این موارد در قوانین داخلی و یا بین‌المللی منع شده باشد، معمولاً در زمان جنگ به خصوص نیروهای شورشی از کودکان به عنوان سرباز استفاده می‌نمایند.

پروتکل الحاقی به پیمان‌نامه حقوق کودک مصوب ۲۵ می ۲۰۰۰ منع استفاده از کودکان در جنگ را تأکید می‌کند و سن کودکان سرباز که قبلاً ۱۶ سال بود را به ۱۸ سال و پایان دوره کودکی افزایش می‌دهد.

استفاده تروریست‌ها از کودکان در عملیات‌های انتحاری نیز شکل دیگری از نقض حق حیات کودکان محسوب می‌شود. در این پدیده از دختران نوجوان نیز استفاده می‌شود. استفاده طالبان از دختر ده ساله برای عملیات انتحاری نمونه روشن چنین رفتارهایی در دنیای کنونی است.



۳. آثار جنگ: یکی از مهم‌ترین نگرانی‌ها بعد از خاتمه جنگ‌ها جمع‌آوری مین‌ها و یا تسلیحات رها شده در مناطق عملیاتی است. مین‌های مختلف و سخت بودن فرایند پاک‌سازی مناطق آلوده به مین معمولاً قربانیان زیادی می‌گیرد. در مناطق کردستان ایران و سایر مناطق عملیاتی با این پدیده روبرو هستیم، کودکان افغانستان و کودکان آفریقایی نیز کم و زیاد درگیر این آثار هستند.

بجز آن گروه از آثار جنگ که ناشی از ابزارهای جنگی است کودکان در خطر رفتارهای ضداخلاقی از جمله تجاوز قرار دارند. تجاوزاتی که طی جنگ‌ها صورت می‌گیرد، به تولد کودکانی می‌انجامد که در بدترین شرایط قرار دارند. برخی از این کودکان در مناطقی از آفریقا به ویروس ایدز نیز آلوده بوده‌اند. از این طریق نیز حق حیات کودکان به صورت جدی در اثر جنگ تهدید می‌شود.

۴. بلاایای طبیعی فقر و بیماری‌ها: حوادث طبیعی نیز عمده‌ترین آسیب را به کودکان و زنان وارد می‌سازند. فراموش نکرده‌ایم چه تعداد کودک در اثر زلزله بم، منجیل و آذربایجان و موارد دیگر در دهه‌های اخیر در ایران جان خود را از دست داده‌اند، تعداد زیادی کودک بعد از زلزله پاناما در دو سال گذشته کشته و یا بدون سرپرست باقی ماندند.

۵. والدین و اطرافیان خطرناک: فرزندکشی پدیده‌ای است که بین جوامع مختلف کم و یا زیاد مشترک است، اما آنچه نگران‌کننده است این است که والدین بعد از کشتن به دلیل این که خود مرتکب جنایت شده‌اند، نه تنها تمایلی به پیگیری موضوع ندارند بلکه تمام سعی خود را در مخفی نگه‌داشتن جنایت می‌نمایند. در چنین حالتی سیستم پلیس و دستگاه قضایی باید مراقبت نماید تا این نوع از جنایات کاهش یابد.

آنچه مایه نگرانی است این است که در قوانین ایران چنانچه پدری خود مرتکب قتل فرزندش شود، به دو دلیل مجازات نمی‌شود: اول اینکه شاکي همین خانواده است و می‌تواند دوباره فرزندکشی شکایت نماید. اگر چه در این باره قانون به دادستان اجازه تعقیب قضایی داده است، اما این کافی برای تضمین حق حیات کودک به صورت همه جانبه نیست. بعلاوه، همان‌طور که اشاره شد، طبق ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی پدر اگر کودک خود را بکشد مجازات قصاص دوباره او مانند سایرین اعمال نمی‌شود. این قانون عدم تضمین حق حیات را نشان می‌دهد و سبب خواهد شد تا بازدارندگی مجازات در ارتکاب جنایت نسبت به کودک از بین برود. البته آنچه مورد ایراد است نابرابری در مجازات است و گونه مجازات قصاص نفس یا اعدام در هیچ شرایطی و برای هیچ شخصی عادلانه نیست. اما در

اینجا دوگانگی در قانون مورد نظر است؛ مثلاً اگر مادری فرزند خود را بکشد، اعدام خواهد شد، اما پدر مجازات کمتری متحمل می‌شود.

حق مصونیت از تبعیض

حق مصونیت از تبعیض و نتایج ناشی از آن یکی از مهم‌ترین حقوق انسانی مورد حمایت همه اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر است؛ مانند: اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه اروپایی حقوق بشر، منشور حقوق بشر و حقوق ملت‌های آفریقا و حتی اعلامیه اسلامی حقوق بشر. میثاق بین‌المللی حقوق کودک نیز در ماده دوم، زندگی بدون هیچ‌گونه تبعیضی از جهت نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی، ملیت، جایگاه قومی و اجتماعی، تمکن مالی، عدم توانایی جسمی، تولد و یا سایر احوال شخصیه والدین و یا قیم قانونی برای همه کودکان را محترم شمرده و کشورهای عضو را به تضمین این حقوق فراخوانده است.

آن‌چه منشاء تاکید فراوان بر رفع تبعیض در اسناد مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر شده است، عمق و گستره زیاد تبعیض و آثار منفی ناشی از انواع مختلف آن است.

کودکان به دلیل عدم توانایی جسمی در مراحل اولیه زندگی و عدم تجربه و توانایی تصمیم‌گیری در دوران رشد شایسته آن هستند تا در سطوح گوناگون از تبعیض و پیامدهای ناشی از آن مصون بمانند.

قبل از هر چیز، محیط خانوادگی و اجتماعی تولد کودک نباید و نمی‌تواند عامل تبعیض علیه او قرار گیرد. در بسیاری از مناطق جهان در دنیای کنونی نیز شاهد آن هستیم که کودکان متولد از خانواده‌های فقیر و یا کودکان برخی اقلیت‌های قومی و یا مذهبی در مناطق زیادی از جهان از جمله در ایران مورد تبعیض قرار می‌گیرند. به همین ترتیب، جنسیت کودک نباید اسباب تبعیض باشد. اما پاره‌ای از مردم بین کودک پسر و یا دختر تفاوت قائل هستند، و به کودک پسر احترام بیشتری دارند.

ضرورت نفی اشکال مختلف تبعیض از زندگی فردی و اجتماعی آحاد جامعه و به خصوص کودکان مورد تاکید میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ سازمان ملل قرار گرفته است. اهمیت این میثاق بیش از همه اسناد بین‌المللی در رفع تبعیض و تضمین آزادی‌های عمومی برای جامعه ایران است. دولت وقت ایران در سال ۱۹۶۸ بدون شرط به این میثاق پیوسته است. دولت جمهوری اسلامی نیز از میثاق یاد شده خارج نشده و به نحو روشن با گزارش‌های سالانه به سازمان ملل و کمیته‌های مختلف موضوع این میثاق و شرکت در نشست‌های مربوط به آن در ظاهر

پای‌بندی بدان را استمرار بخشیده است.

با توجه به ماده نهم قانون مدنی ایران که اسناد بین‌المللی مورد تایید دولت را در حکم حقوق داخلی دانسته است.^۱ پیروی از مفاد این سند برای دولت ایران الزامی است و حقوق مصرحه در آن به عنوان حقوق داخلی مردم ایران شناخته می‌شود.

تبعیض نسبت به کودکان در ایران

مسئله تبعیض نسبت به کودکان در ایران ابعاد متعددی دارد. بسیاری از کودکان در معرض تبعیض و یا در حال تحمل تبعیض و آثار ناشی از آن هستند.

با وجود اینکه در اصول سوم و نوزده و بیستم قانون اساسی ایران رفع انواع تبعیض مورد تاکید قرار گرفته است، به دلیل اینکه ساختار قانون اساسی به شکلی متعارض تنظیم شده است و امکان رفع تبعیض را به طور اصولی فراهم نمی‌کند، همواره کودکان در خانواده‌های مختلف به ویژه کودکان در مناطق قومی و در خانواده‌های اقلیت‌های مذهبی با تبعیض روبرو هستند.

اگر به منشاء حقوق در ایران که همان قانون اساسی است، مراجعه نماییم، می‌بینیم که قانون اساسی در اصول یاد شده تأمین همه این حقوق و در نتیجه رفع تبعیض را منوط به رعایت اصول و ضوابط اسلامی کرده است. لزوم تطبیق همه قوانین ایران با موازین شرعی که در اصل چهارم قانون اساسی آمده است، این امکان را فراهم ساخته تا تبعیض به صورت سازمان یافته و یا سیستماتیک نسبت به همه کودکان از حیث تأمین امنیت آنان وجود داشته باشد. بنابراین، گرچه قانون اساسی به جزیاتی نظیر قتل کودک به دست پدر اشاره نداشته باشد، با ارجاع دادن به شریعت اسلامی امکان تضمین حق حیات کودکان را زایل ساخته است.

فرض مهم دیگری که می‌توان در این زمینه مطرح نمود، تفاوت سیستماتیک بین کودک متولد شده از خانواده مسلمان و غیر مسلمان است. گرچه قانون اساسی تعدد مذاهب را به صورت محدود پذیرفته است اما همه مذاهب موجود در ایران را به رسمیت نمی‌شناسد. در نتیجه کودکان غیر مسلمان به وضوح از دیگر کودکان تفکیک می‌شوند و همین امر مبنای انواع تبعیض را نسبت به آن‌ها فراهم می‌سازد.

در سال‌های فعالیت به عنوان وکیل در ایران و کالت نوجوانی بهایی را برعهده داشتم به نام نسیم که به دلیل آن که در هنگام قرائت دعای آل‌یاسین در صبح‌گاه مدرسه خندیده بود از دبیرستان اخراج و به دادگاه انقلاب معرفی شده بود. این

۱. ماده نهم قانون مدنی ایران: مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است.

نوجوان مدت دو ماه حق ورود به دبیرستانش را نداشت، و در نهایت نیز از معاشرت با دوستان همکلاسی محروم شد، و به دبیرستان دیگری منتقل شد بدون اینکه خود و خانواده‌اش راضی باشند.

کودکان اقلیت‌های مذهبی از جهت‌های دیگر نیز مورد تبعیض قرار می‌گیرند؛ مثلاً همه آن‌چه در کتب درسی آمده است، معطوف به رشد و آموزش کودک شیعه است، در حالی که بسیاری از کودکان از خانواده‌های غیرمذهبی می‌آیند و یا از خانواده‌های معتقد به سایر مذاهب و یا باورها هستند.

سایر تبعیضات را نیز می‌توان درباره کودکان مناطق قومی ملاحظه کرد که حق آموزش به زبان مادری خود را ندارند. تبعیض در تقسیم عادلانه امکانات کشور هم به ویژه نسبت به کودکان این مناطق به روشنی قابل مشاهده است. بسیاری از کودکان مناطق سیستان و بلوچستان، کردستان، خوزستان، و مناطقی از هرمزگان حداقل امکانات آموزشی مانند سرانه فضای آموزشی و یا بهداشتی را ندارند، اما در کلان‌شهرهای ایران کودکان امکان انتخاب مدارس با استانداردهای آموزشی مختلف را دارند.

آتش‌سوزی‌های مکرر در مدارس مناطق روستایی مانند منطقه درود زن استان فارس، مدرسه شین‌آباد در کردستان و سوابق موجود در سایر مناطق کمتر توسعه یافته روستایی و حاشیه‌ای حکایتی از تبعیضات ناروا و نبود اراده شایسته و در خور توجه بر رفع آن‌هاست.^۱

اهمیت دیگر حق کودک برای زندگی بدون تبعیض در این است که تبعیضات به صورت فردی و گروهی اعمال می‌شود، و عمدتاً گروه‌های مختلف انسانی و کودکان را از رشد و شکوفایی و در مواقعی از حق زندگی شایسته باز می‌دارد؛ و این می‌تواند از آن‌ها انسان‌هایی مایل به پیوستن به گروه‌های بزهکار و یا ضداجتماعی و حتی تروریستی بسازد.

بنابراین، تبعیض خود آسیب و منشا آسیب‌های فردی و اجتماعی بسیاری درباره کودکان شناخته می‌شود.

تبعیض‌های هفت‌گانه با کودکان

عمده تبعیضات رایج نسبت به کودکان را می‌توان بدین شرح دسته‌بندی کرد:

۱. سوابق آتش‌سوزی مدارس مناطق مختلف کشور دلالت بر وجود تبعیض در دسترسی به امکانات برابر به دلیل حاشیه‌نشین بودن و یا روستائین بودن دارد. سابقه موضوع را در گزارش خبرآنلاین در اینجا ببینید.

۱. تبعیض ناشی از نژاد و رنگ: این نوع تبعیض در ایران چندان رایج نیست چون عمده مردم از یک نژاد هستند. در عین حال برخورد مناسب قانون با این نوع تبعیض نیز وجود دارد چرا که در مقررات اسلامی این نوع تبعیض نفی جدی شده است. اما این بدان معنی نیست که چنین تبعیضی کلاً وجود ندارد. چون در مناطقی از کشور که رنگین پوستان زندگی می کنند، و یا در حواشی مرزها که نژاد افراد ممکن است متفاوت باشد، تفاوت نژادی گاه بین مردم ابزاری برای تحقیر می شود. در قوانین جاری کشور چنین رفتارهایی منع نشده است و مرتکب آن با واکنش مناسب روبرو نمی شود.

سابقه تبعیض نژادی در کشورهای مختلف و رنج کودکان از این تبعیض که بیشتر از بزرگسالان است، اهمیت حق مصون ماندن از هر نوع تبعیض نژادی را برجسته می کند. جوامعی که از نژادهای مختلف تشکیل می شوند معمولاً نژادهای رنگین پوست در مقایسه با سفیدپوستان در معرض تحقیر و اتهام بیشتری هستند که آن هم ناشی از سابقه طولانی تبعیض بر ضد رنگین پوستان است. یا جامعه افغانستان که از چند نژاد تشکیل شده است، معمولاً پشتونها خود را برتر از تاجیکها می دانند. بنابراین با وجود لغو رسمی سیاستهای تبعیض نژادی، باز هم مثلاً اگر در جمعی یک دستگاه تلفن همراه و یا کیف پولی مفقود شود، در وهله نخست نوجوانان سیاه پوست و یا غیر بومیان در معرض اتهام سرقت قرار خواهند گرفت و سپس ممکن است پلیس و یا جمع مورد نظر سراغ سفیدپوستان بروند.

این موضوع در جامعه ایران بین شهروندان ایرانی و افغان نیز تا حدودی رواج دارد. به گزارش وبسایت بی بی سی فارسی ممنوعیت تردد مهاجرین افغان در برخی استانهای کشور را برخی در همین چارچوب ارزیابی می کنند.

۲. تبعیض ناشی از جنس: یکی از مهم ترین تبعیضهایی که همه اقشار جامعه و همه گروهها را در سطوح مذهبی، قومی، فرهنگی و خانوادگی و اجتماعی در آن مشترک اند تبعیض جنسیتی است؛ یعنی نگاه فرودست به دختران و زنان.

در ایران، تفاوت بین جنس دختر و پسر به روشنی در جامعه آشکار است. این مشکل در قوانین نیز دیده می شود. در ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی ایران سن مسئولیت برای انجام وظایف قانونی و پذیرش مسئولیتهای حقوقی بین دختر و پسر یکسان نیست. همین قاعده درباره انجام وظایف و مسئولیتهای عبادی نیز در نظرات فقهای اسلامی روا داشته شده است. بدین صورت دختران خانوادههای مسلمان در معرض تبعیض و سختگیریهای مختلف مذهبی قرار دارند. مسئله حجاب اجباری دختران از ۹ سالگی و مشکلات کودکان در این سن بر هیچ کس پوشیده نیست.

تبعیض ناشی از جنس ابعاد بسیار وسیعی دارد، که کودکان قربانیان خاموش این نوع تبعیض هستند.

۳. تبعیض به خاطر مذهب: کودکان اقلیت‌های دینی در معرض آسیب‌های زیادی قرار دارند. این کودکان در درون خانواده‌ها با مذهب پدر و مادر خود آشنا می‌شوند و به تدریج نسبت به آن وابستگی پیدا می‌کنند. اما در مدرسه و جامعه نه تنها نسبت به باورهای خانوادگی خود احترام نمی‌بینند بلکه ممکن است با اهانت‌های رسمی و غیر رسمی نیز روبرو باشند.

دوستی نقل می‌کرد که در دبیرستان معلم درس دینی به ما توصیه کرد که شما وظیفه دارید تا غیر مسلمانان را به اسلام دعوت نمایید، و توضیح داده بود اگر چنین نمایید تمام خطاهای شما بخشوده می‌شود. این دوست فوراً سراغ همسایه خودشان می‌رود که یک کودک یهودی بوده است و از او می‌خواهد تا مسلمان شود! کودک یهودی در پاسخ مخالفت نمی‌کند، اما قبول این خواسته را منوط به این می‌سازد، که او را در منزل خودشان پناه دهند چون او معتقد بود اگر چنین کند پدرش از منزل بیرون‌اش می‌کند. در چنین شرایطی کجا می‌تواند برود؟ این دوست می‌گوید هر دو تصمیم گرفتیم بر باورهای خود باشیم و دخالتی در امور مذهبی هم نکنیم.

کودک اهل تسنن و پیرو سایر ادیان و مذاهب به خصوص در مدارس که جو کاملاً مذهبی شیعه بر آن‌ها حاکم است، همواره با این تبعیض‌ها روبرو هستند.

۴. تبعیض به دلیل جایگاه قومی و یا اجتماعی: عرصه خرده فرهنگ‌های ایران عرصه تحقیر از طریق رواج جوک‌های قومیتی و یا نسبت‌ها و برچسب‌های مختلف تحقیرآمیز است. این تبعیض‌ها بیش از همه کودکان را هدف قرار می‌دهد و آن‌ها را در موقعیت نابرابر با هم سن و سالان خود قرار خواهد داد. برچسب‌هایی نظیر ترک و یا لر و کولی و یا عبارت شهرستانی، دهاتی در مواقعی می‌تواند ناشی از نوعی فرهنگ نابرابر باشد که کودکان را در معرض تبعیض و موقعیت نابرابر و احساس ناشی از تبعیض قرار می‌دهد.

بر همین اساس، موقعیت اجتماعی نیز می‌تواند منشا تبعیض نسبت به کودکان باشد. مثلاً سوال اولین روز همه معلم‌ها در مدرسه همه ما این بود که پدرتان یا مادرتان چه کاره است. اگر کودکی پدرش شغل فرودستی داشت، از همان نگاه نخست مورد تبعیض قرار می‌گرفت و می‌گیرد، به خصوص اگر در کلاس بچه‌هایی باشند که از طبقات بالایی اجتماعی باشند. اثر این تبعیض بیشتر آشکار و آزار دهنده خواهد بود.

قوانین و مقررات در حوزه حقوق کودک، مکانیسمی برای برخورد و مقابله با

این نوع تبعیض و رفع آن ارائه نمی‌دهد. عدم توجه قانونی به این موضوع و نظایر آن موجب استمرار و گسترش روش‌های تحقیرآمیز می‌شود و کودک بیش از دیگران از این موضوع آسیب خواهند دید و او را در معرض خشونت قرار خواهد داد. برای کاستن از این نوع رفتارهای خلاف اخلاق ضرورت دارد تا حقوق مداخله موثر داشته باشد و مانع رواج بی‌اخلاقی توأم با خشونت که هدف آن کودکان هستند، بشود.

۵. تبعیض ناشی از زبان و یا گویش متفاوت: بسیاری از کودکان ترک و یا لر و ترکمن و عرب و بلوچ در روزهای اولیه مدرسه به خصوص اگر در مدرسه‌ای باشند که سایر کودکان به گویش رسمی فارسی روان صحبت می‌کنند، مورد تحقیر قرار می‌گیرند. کسانی که به دلایل مختلف ناچارند در مناطقی که به زبان یا گویش دیگری گفتگو می‌کنند و یا حتی در مناطقی که زبان یا گویش متفاوت رایج است زندگی کنند، از این امر استثناء نیستند.

دوستی که هم اکنون در تهران و کیل مبرزی است، نقل می‌کرد که در دوران دبیرستان ناچار شدند از تبریز به تهران مهاجرت نمایند، دو سال ابتدایی حضور وی در دبیرستان سخت‌ترین روزهای زندگی او بوده است چرا که او به دلیل لهجه ترکی به شدت مورد تمسخر هم کلاس‌هایش قرار می‌گیرد. تنها موضوعی که سبب نجات او از این وضعیت می‌شود، زمانی است که دیکتته فارسی او همواره بهترین نمره کلاس می‌شود. توانایی برتر او در نوشتن در شهری که همه بسیار با گویش رسمی و مناسب به فارسی حرف می‌زنند، سبب می‌گردد تا سایر دانش‌آموزان از تمسخر او دست بردارند.

اگر حق آموزش به زبان مادری به رسمیت شناخته شود، و کودک ناچار نباشد به زبان دیگری در محیط مدرسه در سال‌های نخست مدرسه به تحصیل مشغول گردد، خشونت‌هایی که در اینجا متصور است، رفع خواهد شد. تضمین مناسب حقوقی در این حوزه سبب خواهد شد تا زبان و یا فرهنگ زبانی یکی بردیگری امکان تسلط به دست نیاورد، و تبعیض ناشی از آن کاهش یابد و یا رفع شود.

۶. کودکان فاقد توانایی برابر و مسئله تبعیض: کودکان معلول جسمی و یا ذهنی همواره در معرض تبعیض در بین هم سن و سالان خود و در جامعه قرار دارند. بین مردم به دلیل اینکه آموزش لازم برای مواجه شدن با این افراد فراموشی گیرند، و به صورت رسمی به دلیل این که قوانین حمایتی مناسب برای تامین نیازهای متناسب با معلولیت این افراد فراهم نیست. عمده موفقیت این افراد معلول و یا عدم موفقیت‌شان بستگی تام به هزینه و امکاناتی دارد که خانواده‌های آنان فراهم می‌کنند. فرض کنید

خانواده‌ای فقیر که دختر بچه نابینایی نیز دارد، کودک‌کش امکان موقعیت برابر با سایرین ندارد. به طور مثال، مهد کودک برای بچه‌های معلول در ایران رایج نیست. مدارس مخصوص معلولین نیز برای همه معلولین مناسب نیستند. وانگهی، در همه مناطق کشور به خصوص در روستاها هم در دسترس روستاییانی که فرزندان معلول داشته باشند نیست. در حالی که این حق در ماده دوم پیمان‌نامه حقوق کودک مورد توجه قرار گرفته است.

۷. تبعیض و منشاء تولد: هم‌چنین لازم است اشاره نماییم به منشا تولد در برخورداری و یا عدم برخورداری از حق به عنوان یکی از حقوق اساسی کودک. بر اساس بخشی از ماده ۲ پیمان‌نامه حقوق کودک، کودکان متولد از روابط خارج از ازدواج نباید مورد تحقیر و یا نابرابری قرار گیرند. متأسفانه به صورت رسمی در ایران طهارت مولد و یا تولد از طریق رابطه مشروع از تولد از طریق نامشروع برای کودک حتی تا بزرگسالی منشا تبعیض است؛ مثلاً کسی که محصول یک رابطه خارج از ازدواج باشد، امکان اشتغال به قضاوت و یا شهادت دادن در دادگاه‌ها در بزرگسالی ندارد. در این زمینه ماده ۱۷۷ قانون مجازات اسلامی جدید می‌گوید: شاهد شرعی در زمان شهادت باید شرایط زیر را داشته باشد: بلوغ، عقل، ایمان، عدالت، طهارت مولد، ذی‌نفع نبودن در موضوع، نداشتن خصومت با طرفین یا یکی از آن‌ها، عدم اشتغال به تکدی، ولگرد نبودن.

حق برخورداری از سلامت جسم، روان و اخلاق

حق برخورداری از سلامت جسم و روان معطوف به تامین برابر آن برای همه کودکانی است که در گذر زمان و یا در شرایط سخت و به خصوص در خانواده‌های فقیر با نقض آن روبرو هستند. تاثیر مستقیم فقر والدین بر تامین و یا عدم تامین سلامت جسم، روان و اخلاق کودک را نمی‌توان نادیده انگاشت. کودکان سنین پایین‌تر و کودکان خانواده‌های کم‌درآمد جامعه بیش از سایر کودکان در معرض از دست دادن این حق هستند.

این حق شامل مجموعه‌ای از حقوق است که امنیت جسمی و روانی کودک را تامین و تضمین می‌کند. کودک در مقابل هر نوع تهدید یا رفتار فیزیکی و یا غیر فیزیکی که سلامت جسم و روان او را در خطر قرار دهد، باید مورد حمایت قرار گیرد. به همین دلیل، ضرورت دارد همه جامعه اعم از قانون‌گذاران و مجریان و مسئولان مختلف آن و خانواده‌ها و حتی برخی از مشاغل خصوصی با این حق و غیر قابل اجتناب بودن آن‌ها درباره کودکان آگاهی و حساسیت لازم داشته باشند.

۱. حق تغذیه و آب سالم: در سال ۲۰۰۰ میلادی سازمان بهداشت جهانی ۵۴ درصد از مرگ و میر کودکان کمتر از ۵ سال را ناشی از سوء تغذیه اعلام کرد. این موضوع عمدتاً ناشی از فساد حاکم بر جوامع و عمل کرد نادرست حکومت‌ها است. تامین نیازهای غذایی کودکان از جمله بنیادی‌ترین حقوق کودک است. این حق به حدی طبیعی به نظر می‌رسد که نیازی به قاعده و قانون ندارد. در عین حال، به دلیل اینکه سوء تغذیه یکی از بیماری‌های شایع بین کودکان در جوامع در حال توسعه است، پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک این حق را در بند ۲۴ بیان کرده است. مبارزه با بیماری‌ها، سوء تغذیه در چارچوب مراقبت‌های بهداشتی و تامین غذای مقوی و آب آشامیدنی سالم مورد توجه قرار گرفته و به عنوان یک حق بنیادی شناخته شده است.

۲. حق بهداشت و ایمن‌سازی در قبال بیماری‌ها و حوادث: یکی از تعهدات دولت‌ها در پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک مبارزه با مرگ و میر نوزادان و کودکان و تضمین مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی برای آن‌ها است. این حق در ماده ۲۴ پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک تبیین شده است. برنامه‌های واکسیناسیون و مراقبت‌های بهداشتی در نظام بهداشتی ایران که از سالیان پیش در حکومت قبلی تدوین شده است، به خوبی عمل کرده است، و کشور ایران در زمینه کنترل بیماری‌های واگیر و واکسیناسیون اطفال موفق بوده است. جدول رسمی واکسیناسیون اطفال در ایران نشان می‌دهد که مانند همه کشورهای پیشرفته، به ایمن‌سازی کودکان مبادرت شده است.^۲ نگرانی که امروزه کودکان را تهدید می‌کند، امکان تولد از مادران آلوده به ویروس ایدز است. عدم رواج فعالیت‌های پیش‌گیرانه موثر درباره این بیماری سلامت و آینده کودکان را به مخاطره می‌اندازد.

۳. حق مصونیت از هر نوع آزار: کودک‌آزاری در پنج سطح عمده شناسایی و نفی آن مورد توجه است: کودک‌آزاری جسمی، عاطفی، جنسی، کودک‌آزاری مبتنی بر غفلت و کودک‌آزاری مبتنی بر سهل‌انگاری و تحقیر. امروز کمتر کسی است که نداند آزار و شکنجه کودک گناه نابخشودنی است.

۱. ماده ۲۴ پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک بند ج: «مبارزه با بیماری‌ها و سوء تغذیه، از جمله در چارچوب مراقبت‌های بهداشتی اولیه از طریق به کار بستن تکنولوژی‌های در دسترس و از طریق فراهم‌نمودن مواد غذایی مقوی و آب آشامیدنی سالم و در نظر گرفتن خطرات آلودگی محیط زیست.»

۲. برنامه ایمن‌سازی کودکان و واکسیناسیون آنها به نقل از وب سایت رسمی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی را در اینجا ببینید.

با وجود این کودکان در وهله نخست بوسیله نزدیکان خود مورد شکنجه و آزار جسمی و روحی قرار می‌گیرند. ضعف و ناتوانی کودکان در درک آن چه ما از او می‌خواهیم و یا تمناهای نابجای ما از کودک و در مواردی بیماری‌های روانی بزرگسالان، کودکان را در معرض شکنجه و آزار در درون خانه‌ها قرار می‌دهد. بررسی آمار کودک‌آزاری در دو ماهه آبان و آذر سال ۱۳۹۲ نشان می‌دهد که این واقعه در شکل گزارش شده و شناسایی شده‌اش چه میزان دردناکی به خود اختصاص داده است. آمار انواع کودک‌آزاری به ترتیب شامل ۲۰ درصد کودک‌آزاری جسمی، ۳۷ درصد عاطفی، ۲۷ درصد غفلت، ۶ درصد جنسی، ۶ درصد آموزشی و ۴ درصد بهره‌کشی است. همین گزارش می‌گوید: در ۵۱ درصد موارد کودک‌آزاری ناشی از پدران است، در ۲۶ درصد ناشی از مادران، ۱۱ درصد



نامادری و ۴ درصد سایرین و مهدکودک‌ها در کودک‌آزاری دست داشته‌اند. این گزارش کودک‌آزاری والدینی که از هم جدا شده‌اند و والدین در حال زندگی را در سطح نسبتاً یکسانی نشان می‌دهد.^۱

جاه‌طلبی و دستیابی به ثروت از طریق در خدمت گرفتن کودکان بی‌پناه نیز از عوامل دیگر آزار به کودکان محسوب می‌شود. به این موضوع در بخش حقوق اجتماعی بیشتر می‌پردازیم.

برخی از آزارهایی که نسبت به کودکان روا می‌شود، گاهی از دید ما بی‌اهمیت است، مانند اغلب تنبیهات و یا فشارهایی که به قصد تربیت آن‌ها اعمال می‌شود. از این جهت نیز موضوع رفتارهای تنبیهی و یا حتی تمسخر و مقایسه کردن کودک با همسالانش عامل آزار رسان به کودک محسوب می‌شود. پیمان‌نامه حقوق کودک در ماده ۱۹ خود اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت حمایت از کودک در برابر تمام اشکال خشونت‌های جسمی و روحی، آسیب‌رسانی یا سوء استفاده، بی‌توجهی یا سهل‌انگاری، بدرفتاری یا استعمار من جمله سوء استفاده جنسی در زمانی که کودک تحت مراقبت والدین یا قیم یا هر شخص دیگری قرار دارد، ضروری دانسته است.

اعلامیه شماره ۱۰۴۴۸ مورخ ۲۳ فوریه ۱۹۹۴ مجمع عمومی سازمان ملل، که به قطع‌نامه حذف خشونت علیه زنان معروف است، در ماده ۲ خود ضمن ارائه تعریفی از خشونت به آزار جنسی دختر بچه‌ها، کتک زدن، آزار و ارباب در مراکز آموزشی و جاهای دیگر، ختنه دختران و رسومی که همراه با آسیب است، اشاره دارد.

اشکال مختلف کودک‌آزاری با کاستی‌هایی در حقوق داخلی ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است به نحوی که با همه کاستی‌هایی که در زمینه حمایت حقوقی از کودکان وجود دارد، این قانون در جای خود با اهمیت ارزیابی می‌شود. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۲۵ آذر ماه ۱۳۸۱ مجلس شورای اسلامی ایران که در تاریخ ۱۱ دی ماه همان سال به تایید شورای نگهبان رسیده است، بعد از این که در ماده اول خود کودکان مشمول این قانون را افراد کمتر از ۱۸ سال تعیین می‌کند، در ماده دوم هر نوع اذیت و آزار کودکان که سبب شود، به کودکان و نوجوانان صدمه جسمی یا روانی و اخلاقی وارد شود، ممنوع و قابل مجازات دانسته است.^۲

۱. فرشته صدر نوری، انجمن حمایت از کودک، در گفتگو با مهرخانه.

۲. متن کامل قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۲۵ آذرماه ۱۳۸۱ مجلس شورای اسلامی را در اینجا ببینید.

همین قانون مجازات‌هایی را برای هر نوع رفتار توأم با شکنجه و آزار برای مرتکبین این اعمال نسبت به کودکان تعیین نموده است. مثلاً در ماده چهارم، مجازات شش ماه تا یکسال زندان و یا جزای نقدی از ده میلیون ریال تا بیست میلیون ریال را برای مرتکبین کودک‌آزاری در نظر گرفته است. اگر چه برای برخی رفتارهای آزاردهنده کودکان این مجازات ناچیز محسوب می‌شود؛ اما این موضوع در جای خود از نبود قانون حمایتی مناسب‌تر است.

مهمترین اتفاقی که در این قانون دارای اهمیت حقوقی است، این است که در ماده پنجم قانون، کودک‌آزاری را جرم عمومی دانسته است و نتیجه‌ای که به این موضوع مرتبط است، این است که والدین و سرپرستان کودکان از مجازات‌رهایی نخواهند یافت. البته مشروط به اینکه این نوع جرایم آشکار شود. فرهنگ آشکار سازی این دسته جرایم در کشور ما رایج نیست.

به موجب این قانون، برای اولین بار موسسات و مراکزی که به نحوی مسئولیت نگهداری کودکان را برعهده دارند، در ماده ششم موظف شده‌اند تا به محض مشاهده موارد کودک‌آزاری مراتب را جهت پیگیری قانونی به دستگاه قضایی اعلام نمایند؛ در صورتی که افرادی به این وظیفه و مسئولیت عمل ننمایند، به زندان تا شش ماه یا جریمه تا پنج میلیون ریال محکوم می‌شوند.

۴. بهره‌کشی جنسی از کودکان ممنوع: هر نوع سوء استفاده جنسی از کودکان آنان را در معرض آسیب جسمی و روانی شدید قرار می‌دهد و رشد و شکوفایی آن‌ها را مختل می‌سازد. این موضوع در مراقبت‌های جسمی، روانی و اخلاقی کودکان باید مورد توجه و حمایت باشد. از این رو، به منع هر نوع هرزه‌نگاری و سوء استفاده جنسی از کودکان مطرح شده است.

پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک در مواد ۱۵ و ۲۷ به مراقبت‌های بهداشتی و تضمین سلامت جسمی و روحی و اخلاقی کودکان توجه نموده است و در ماده ۳۴ هر نوع فعالیت و درگیر کردن کودکان به فعالیتهای جنسی، فحشا و استثمار جنسی را ممنوع ساخته است. پروتکل الحاقی مصوب سال ۲۰۰۰ مجمع عمومی سازمان ملل نیز بر نفی این نوع رفتارها نسبت به کودکان تأکید دارد.

در حقوق داخلی ایران هم این موضوع به صورت پراکنده در قوانین مختلف مورد توجه قرار گرفته است. تجاوز جنسی به کودکان از مصادیق تجاوز به عنف محسوب می‌شود و با تحقق شرایطی امکان اعمال مجازات اعدام در چنین مواردی وجود دارد. این موضوع در ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی جدید آمده است و در انتهای تبصره ۲ ماده مذکور اشاره شده است که در جرم زنا از طریق اغفال و فریب

دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم اعدام صادر خواهد شد. همین حکم درباره جرم زنا با محارم که ممکن است کودکان قربانی آن باشند نیز در همین ماده ۲۲۴ پیش‌بینی شده است.^۱

هرزه‌نگاری کودکان نیز در اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جمله میثاق جهانی حقوق کودک در ماده ۳۴ و پروتکل الحاقی آن مورد توجه قرار گرفته است. قوانین ایران اگرچه به صورت مستقیم و به روشنی آن را ممنوع نساخته است، اما این بدان معنی نیست که این کار مجاز است؛ در قانون مجازات کسانی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند، به مواردی اشاره شده است که چنانچه موضوع با استفاده از کودکان باشد مجازات حداکثر برای مرتکب جرم تعیین خواهد شد.^۲

همچنین در ماده ۸۷۶ قانون مجازات اسلامی جدید نیز بدون تصریح به این موضوع مسئله اشاعه فساد مورد توجه قرار گرفته است؛ این موارد علیه کودکان نیز می‌تواند حسب مورد مصداق این قانون باشد و مجازات سنگین اعدام را به دنبال داشته باشد.

۵. آزار روحی و تحقیر کودکان: این موضوع در بعد حجمی بسیار زیاد است ولی در بعد اجتماعی و حقوقی مورد توجه جدی نیست؛ یعنی کودکان در قبال تحقیر و یا رفتارهای کلامی آسیب‌زا از سوی هیچ قانونی مورد حمایت قرار ندارند. این کودکان ممکن است به خاطر تعلق داشتن به طبقه‌ای فرودست، و یا به دلیل ظاهر نازیبا و یا عدم بضاعت در تهیه لباس مناسب در اجتماع و به خصوص در مدرسه مورد تحقیر و آزار قرار گیرند.

بخش‌هایی از حق منع آزار روحی و تحقیر کودکان در مواد دوم و سی و دوم پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک شناخته شده است. اما در قوانین داخلی ایران چنین حقوقی را نمی‌یابیم، گرچه با توجه به پیوستن ایران به پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک مفاد آن جزء حقوق داخلی هم محسوب می‌شود. از سوی دیگر، بسیاری از این آزارها منشاء تبعیض دارد و منع انواع تبعیض مورد تأکید قانون اساسی ایران در اصل سوم و نوزدهم واقع شده است.

بنابراین، مردم و حقوق‌دانان می‌توانند از ظرفیتی که در قوانین وجود دارد استفاده کنند تا امکان حمایت از حقوق کودکان در قبال تحقیر و رفتارهای غیر فیزیکی و

۱. متن کامل قانون مجازات اسلامی را در اینجا می‌توان دید.

۲. تبصره ۳ ذیل بند ب ماده ۳ قانون «نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند»، برای سوء استفاده از کودکان در نگهداری، تهیه و تکثیر نوارهای غیرمجاز تصویری حداکثر مجازات را که در مواردی اعدام است، پیش‌بینی نموده است. متن این قانون در سایت حقوقی دادخواهی در اینجا در دسترس است.

آزاردهنده و مکانیزم‌های حمایتی آن فراهم شود.

حقوق سیاسی کودک

چون کودک در محدود سنی وسیعی از ابتدای تولد تا هجده سالگی تعریف می‌شود، بخشی از حقوق او هم حقوق سیاسی خواهد بود. در این جا حقوق شناخته شده در میثاق بین‌المللی حقوق کودک در این عرصه را مورد توجه قرار می‌دهیم.

۱. حق شکل دادن عقیده خود: کودک به تدریج که وارد سنین نوجوانی می‌شود قادر خواهد بود تا عقاید خود را شکل بدهد. عمده کودکان در این سنین و پیش از آن تحت تأثیر عقاید والدین خود هستند. این حق در حقوق داخلی ایران سابقه ندارد، اما در پیمان‌نامه حقوق کودک در ماده ۱۲ مورد توجه و شناسایی قرار گرفته است. ماده ۱۲ چنین می‌گوید:

۱- کشورهای طرف کنوانسیون تضمین خواهند کرد کودکی که قادر به شکل دادن به عقاید خود است، بتواند این عقاید را آزادانه درباره تمام موضوعاتی که مربوط به وی می‌شود ابراز کند و به نظرات کودک مطابق با سن و بلوغ وی بها داده شود.

۲- بدین منظور، خصوصاً برای کودک فرصت‌هایی فراهم آورده شود تا بتواند در هر یک از مراحل دادرسی اجرائی و قضایی مربوط به وی به طور مستقیم یا از طریق یک نماینده یا شخصی مناسب به طریقی که مطابق با مقررات اجرائی قوانین ملی باشد، ابراز عقیده نماید.

با توجه به حق خودمختاری و سایر حقوق ناظر بر آزادی‌های عمومی کودک باید قادر باشد تا بتدریج عقاید خود را شکل دهد. اگر چه اغلب کودکان تحت تأثیر مستقیم باورهای والدین خود قرار می‌گیرند و در عقاید خود دنباله رو آن‌ها می‌شوند، اما این موضوع مانع از آن نخواهد بود تا والدین حق تحمیل باورهای خود به کودک را نداشته باشند و نسبت به این موضوع منع شوند. پیش‌بینی این موضوع به عنوان یک حق صرفاً بدین منظور است که از اجبار و اکراه نسبت به کودکان در دنباله روی از باورهای اطرافیان خودداری گردد. از این رو، تولد کودک برای والدین او امتیازی بر تحمیل باورهای خودشان به کودک ایجاد نمی‌نماید.

۲. حق ابراز عقیده: کودک حق دارد عقیده خود را بیان نماید و در این شرایط

عقیده او هر چه باشد دولت و یا گروه‌ها و افراد از جمله مدرسه کودک، مجاز نیستند تا او را مورد سوال قرار دهند و یا از ابراز عقیده منع نمایند. کودک در این شرایط باید پس از ابراز عقیده خود مورد حمایت قرار گیرد و به واسطه داشتن عقیده خاص اعم از این که مطابق با عقیده و باور اکثریت جامعه باشد و یا نباشد، از حق بیان محروم نشود، یا به دلیل بیان آن تحت تعقیب قرار نگیرد.

این حق در ماده ۱۳ پیمان‌نامه حقوق کودک مورد حمایت قرار گرفته است و شامل حق آزادی در جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات و عقاید از هر نوع، بدون توجه به مرزها، و نوع بیان آن اعم از کتبی و یا شفاهی یا چاپ شده، به شکل آثار هنری یا از طریق هر رسانه دیگری به انتخاب کودک است. ماده ۱۳ پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک می‌گوید:

۱- کودک دارای حق آزادی ابراز عقیده است. این حق شامل آزادی جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات و عقاید از هر نوع، بدون توجه به مرزها، کتبی یا شفاهی یا چاپ شده، به شکل آثار هنری یا از طریق هر رسانه دیگری به انتخاب کودک است.

۲- اعمال این حق ممکن است منوط به محدودیت‌های خاصی باشد، ولی این محدودیت‌ها فقط منحصر به مواردی است که در قانون تصریح شده و ضرورت دارند: الف - برای احترام به حقوق یا آبروی دیگران؛ ب - برای حفاظت از امنیت ملی یا نظم عمومی یا به خاطر سلامت عمومی و یا مسائل اخلاقی.

۳. حق آزادی فکر، عقیده و مذهبی و بیان آن: این حق ناظر بر حق داشتن عقیده است، و آزادی باور و اندیشه را در کودک مورد حمایت قرار می‌دهد. این حق برای کودک به دلیل قرار داشتن او در مسیر رشد و شکوفایی به عنوان حقوق بنیادین پذیرفته شده است. بر اساس ماده ۱۴ پیمان‌نامه حقوق کودک این حقوق مورد توجه و شناسایی قرار گرفته است تا کودک از رشد متناسب با مسیر اعتلایی خود بازماند. ماده ۱۴ می‌گوید:

۱- کشورهای طرف کنوانسیون حق آزادی فکر، عقیده و مذهب را برای کودک محترم خواهند شمرد.

۲- کشورهای طرف کنوانسیون حقوق و وظایف والدین و سایر سرپرستان قانونی کودک را درباره هدایت کودک در جهت اعمال حقوق وی به طریقی که باعث اعتلای استعدادها و توانایی‌های کودک شود، محترم

خواهند شمرد.

۳- آزادی ابراز عقیده و مذهب فقط طبق محدودیت‌هایی که در قانون تصریح شده و برای حفظ امنیت، نظم، سلامت و اخلاقیات عمومی و یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران لازم است، محدود می‌شود.

۴. حق آزادی تشکیل اجتماعات: آنچه رشد و شکوفایی اجتماعی کودک را تضمین می‌نماید پرداختن به امور اجتماعی قابل فهم کودک توسط او است و از این طریق او می‌تواند مسئولیت‌های شهروندی را فراگیرد و نسبت به امور اجتماعی و سیاسی پیرامون خود بی‌تفاوت نباشد. از این جهت ملاحظه می‌شود که ماده ۱۵ پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک این حق را برای کودک پذیرفته است. به موجب این قانون کودک حق آزادی تشکیل اجتماعات مسالمت آمیز را دارد. این حق، کودک را در شرایطی قرار می‌دهد تا امکان اعتراض مسالمت آمیز نسبت به شرایط پیرامونی خودش را به آزادی داشته باشد و از این طریق نسبت به حقوق خود و هم‌نوعان خود بی‌تفاوت نباشد. فعالیت مدنی و آشنا شدن کودک با فعالیت و کارکرد جامعه مدنی با برخورداری کودک از این حق تامین می‌گردد. ماده ۱۵ که ناظر بر این حق است می‌گوید:

- ۱- کشورهای طرف کنوانسیون، حقوق کودک را در مورد آزادی تشکیل اجتماعات و مجامع مسالمت آمیز به رسمیت می‌شناسند.
- ۲- به غیر از محدودیت‌هایی که در قانون تصریح شده و یا برای حفظ منافع امنیت ملی یا امنیت عمومی، نظم عمومی، سلامت عمومی و اخلاقیات و یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضروری است، هیچ محدودیتی در اعمال این حقوق وجود ندارد.

۵. حق برخورداری از حریم خصوصی: این حق شامل منع مداخله خودسرانه در حوزه خصوصی کودک است. ماده ۱۶ پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک این حق را مورد توجه قرار داده است. این حق از این رو مهم است که در منزل و مدرسه و یا در اجتماع، کودک مورد بازبینی بی‌مورد قرار نگیرد. مرز بین این که در کجا این حق قابل نقض شدن و نادیده انگاشتن است و کجا باید از آن محافظت کرد، باید به صورت قانونی به نحوی برابر برای همه روشن شود. این امر سبب می‌شود تا به صورت خودسرانه و نامحدود به کنترل کودکان پرداخته نشود.

موضوع حق حفظ حریم خصوصی برای کودک در خانه از این رو مهم است تا

کنترل بی‌اندازه سبب آسیب شخصیتی به کودک نگردد، و او با اطمینان بتواند مسیر رشد خود را طی نماید. البته هر زمان سلامت و امنیت کودک در معرض خطر باشد، به نحوی که قانون تعیین کرده است، امکان محدود کردن این حق وجود دارد. اشاره ماده ۱۶ پیمان‌نامه حقوق کودک بر این است که به صورت خودسرانه و یا غیرقانونی در امور خصوصی کودک دخالت صورت نگیرد و حرمت کودک مورد خدشه واقع نشود.

این موضوع از این رو با عبارات خودسرانه و یا غیرقانونی مطرح شده است، چون حق حفظ حریم خصوصی یک حق مطلق نیست، بلکه یک حق مفید است و از این رو قابلیت نقض در موارد مشخص قانونی را دارد. قواعد حقوقی در صدد هستند تا موارد قانونی به شیوه‌ای نباشد که علیه کودکان استفاده شود و امکان نادیده گرفتن این حق به موارد مشخص قانونی محدود باشد. ماده ۱۶ می‌گوید:

- ۱- در امور خصوصی، خانوادگی، یا مکاتبات هیچ کودکی نمی‌تواند خودسرانه یا غیرقانونی دخالت کرد یا هتک حرمت نمود.
- ۲- کودک در برابر این گونه دخالت‌ها و یا هتک حرمت‌ها مورد حمایت قانون قرار دارد.

۶. حق دسترسی کودک به اطلاعات: رشد و رفاه مادی و معنوی کودک بدون تبادل اطلاعات و حق دسترسی به آن مقدور نیست. از این رو ماده ۱۷ پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک این را مورد توجه قرار داده است و از کشورهای عضو خواسته تا آن را تضمین نمایند. پروتکل الحاقی پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک مصوب نوزدهم دسامبر ۲۰۱۱ مجمع عمومی سازمان ملل نیز بر حق دسترسی و تولید اطلاعات بوسیله کودکان تاکید نموده است.^۱

۷. مشارکت سیاسی: اگرچه این حق در پیمان‌نامه جهانی حقوق پیش‌بینی نشده است، اما از آنجا که بر اساس قانون انتخاب در ایران افراد کمتر از ۱۸ سال در سنین ۱۶ سالگی می‌توانند در انتخابات شرکت نمایند، حق آزادی مشارکت سیاسی برای آن‌ها پذیرفته شده است.

پیش‌بینی این حق نباید سبب ایجاد محدودیت نسبت به کودک و سوء استفاده از وی بشود. در انتخابات‌های مختلف شاهد هستیم که شاخه‌ای از احزاب مختلف سعی در جذب نوجوانان دارند تا از این طریق از یک طرف آن‌ها را برون‌مشارکت

۱. پروتکل الحاقی به پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک مصوب ژانویه ۲۰۱۱ مجمع عمومی سازمان ملل درباره حق دسترسی به اطلاعات و در اینجا می‌توان دید.

سیاسی آشنا نمایند و از طرفی دیگر از خدمات کودکان در جمع‌آوری و جلب آرا بهره‌مند شوند. نوجوانان در ایران نیز از این موقعیت برخوردارند، چنانچه در زمان انقلاب ۱۳۵۷ و در جنبش‌های اجتماعی پس از آن نوجوانان نقش مهمی در پیشبرد حرکت‌های اجتماعی داشته‌اند. بسیاری از نوجوانان در اثر مشارکت در فعالیت سیاسی و تظاهرات بعد از انتخابات ۱۳۸۸ بازداشت و زندانی شدند.

این حق باید چنان مورد تضمین قرار گیرد تا امکان سوءاستفاده احزاب و تشکل‌ها و البته گروه‌های مذهبی از احساسات افراد زیر ۱۸ سال فراهم نشود و از طرفی دیگر کودک از هر نوع سرکوب و بازداشت و دستگیری مصون بماند.

بخش سوم

حقوق اجتماعی و فرهنگی کودکان

این بخش از حقوق کودک ممکن است در برخی موارد با حقوق بنیادین کودک نیز نزدیک باشد، اما به دلیل اهمیت اجتماعی یا فرهنگی در بخش جداگانه مطرح می‌کنیم.

۱. حق حفظ هویت، بر خور داری از تابعیت و ثبت تولد

معمولاً برای برخی خانواده‌ها و برخی افراد تولد الزاماً همراه با شادی نیست. این موضوع مشکل کودکانی است که در شرایط بحران و جنگ یا در مناطق قبیله‌ای اقلیت متولد می‌شوند و یا از طریق تولد خارج از ازدواج و از والدینی که ناخواسته صاحب فرزند می‌شوند، یا به دنیا می‌گذارند. کودکانی در دنیا هستند که در شرایط فقر والدین متولد می‌شوند، در این شرایط ممکن است کسی انتظار آمدن آن‌ها را نداشته باشد. با تولد این دسته از کودکان نابود شدنشان و یا رها شدن آن‌ها در مناطق مختلف و در مواردی خرید و فروش آن‌ها محتمل است. این شرایط کودکان را در وضعیت بی‌هویتی قرار خواهد داد.

مهم‌ترین واقعه حقوقی در زندگی هر انسانی تولد است. با تولد افراد رابطه‌ای بین پدر و مادر و کودک شکل می‌گیرد و ابتدایی‌ترین اتفاق فرهنگی در این زمینه

شناسایی کودک و تعیین نام برای اوست. این اتفاق اگر چه بسیار بدیهی است، اما واجد مهم ترین حقوق انسانی یعنی حق زندگی این مولود است؛ و سپس شناسایی او به عنوان فرزند خواهد بود.

امروزه انتساب یا به رسمیت شناختن کودک به عنوان فرزند و ثبت مشخصات او و نیز رفتار والدین با او تابع قواعد حقوقی است که اعمال برخی سنت‌های نادرست و یا فرهنگ‌های مبتنی بر نفی حقوق انسانی را ناممکن می‌سازد. مثلاً اگر در فرهنگ برخی اقوام ایرانی «ختنه» یا بهتر بگوییم «ناقص سازی جنسی» در کودکان دختر یک فرهنگ و سنت است، اینک این رفتار، ناپسند شناخته می‌شود و با والدین مرتکب آن برخورد می‌گردد.

نام و نامیدن افراد یک واقعه فرهنگی است که برای همه اعضای خانواده‌ها بدون استثنا روی می‌دهد. این حقی است مسلم برای کودک که در پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک در ماده ۷ به رسمیت شناخته شده است. ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق کودک می‌گوید: «تولد کودک بلافاصله پس از به دنیا آمدن ثبت می‌شود و از حقوقی مانند حق داشتن نام، کسب تابعیت و در صورت امکان شناسایی والدین تحت سرپرستی آن‌ها برخوردار است.»

آنچه به نفی حقوق کودک و به خشونت علیه او از طریق نام و ثبت مشخصات منجر می‌شود، در قالب تعیین نام‌های غیر متعارف و یا نام‌هایی است که در بزرگسالی و نوجوانی کودک را با تحقیر همسالان روبرو می‌سازد.

در پاره‌ای مواقع نیز ممکن است اساس مشخصات کودک برای مقاصد مجرمانه مانند قاچاق و یا خرید و فروش انسان ثبت نشود. این مساله معمولاً در جوامع فقیر بسیار شایع است. یک اقدام ساده عدم ثبت «نام» در دفتر مخصوص به رفتاری علیه تمامیت جسمانی و روانی کودک تبدیل می‌شود.

شیوع این موارد در برخی از بیمارستان‌ها باعث شده است تا قانون‌گذار ایران نیز متوجه ابعاد گسترده این موضوع شود و در ماده ۶۳۱ قانون مجازات اسلامی مبحث تعزیرات ربودن اطفال را جرم اعلام کند. این جرم زمانی تسهیل می‌شود که اثری از نام و نشانی کودک نباشد و مشخصات او در جایی ثبت نشده باشد. برای پرهیز از این قبیل اتفاقات ثبت نام، شناسایی و حق تابعیت برای کودکان به عنوان یکی از مهم ترین حقوق فرهنگی و اجتماعی کودک شناخته می‌شود.

قطع نظر از اینکه عدم ثبت و شناسایی کودک پیامدهای ناگواری را می‌تواند به دنبال داشته باشد. ثبت نام با اسامی ناصواب و نامتناسب با فضای عمومی که کودک در آن قرار خواهد گرفت، می‌تواند اسباب تحقیر کودک را فراهم سازد و از او

شخصیتی غیر مطمئن بسازد. چون معمولاً تحقیر کودک مانع رشد و شکوفایی او خواهد شد.

همچنین «هویت کودک» با نام و تابعیت او شناخته می‌شود، از این طریق کودک روابط خانوادگی خود را با اعضای خانواده می‌شناسد و بیم محروم شدن و یا نادیده گرفتن سایر حقوق با کسب هویت برای کودک مرتفع می‌شود. هویت خانوادگی کودک نیز در ماده هشتم میثاق بین‌المللی حقوق کودک مورد شناسایی قرار گرفته است. ماده ۸ پیمان نامه حقوق کودک می‌گوید:

۱- کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک برای حفظ هویت خود، من جمله ملیت، نام و روابط خانوادگی را طبق قانون و بدون مداخله تضمین خواهند کرد.

۲- در مواردی که کودک به‌طور غیرقانونی از تمام یا برخی از حقوق مربوط به هویت خود محروم شود، کشورهای عضو حمایت و مساعدت‌های لازم را برای استیفای سریع حقوق فوق به عمل خواهند آورد.

مسئله تابعیت کودکان بسیار بحث برانگیز است، به خصوص اگر کودکی در سرزمین ایران متولد شود و تابعیت او پذیرفته نشود. حق ثبت نام کودک فقط منحصر به کودکانی که طبق قوانین داخلی ایرانی تلقی می‌شوند نیست بلکه هر کودکی که در ایران متولد شود باید از این حق برخوردار باشد.



مانا نیستانی، شناسنامه، فقط برای بعضی‌ها

گروه بزرگی از کودکان غیرایرانی متولد ایران مهاجران افغان هستند ولی حق حفظ هویت آن‌ها و ثبت تولدشان از آن‌ها دریغ می‌شود. عدم ثبت تولد و شناسایی حق هویت کودکان در ایران منحصر به کودکان افغان نیست، بلکه کودکانی که از پدر افغان و مادر ایرانی در ایران متولد شده‌اند نیز از این حق محروم هستند. بر اساس خبری که سال گذشته (۱۳۹۱) روزنامه جام‌جم منتشر کرده است، ۱۰۰ هزار کودک فاقد شناسنامه یا فاقد تابعیت در ایران زندگی می‌کنند. از این تعداد ۳۳ هزار نفر را کودکان متولد از ازدواج‌های موقت تشکیل می‌دهند و باقی کودکان حاصل ازدواج مادران ایرانی و پدران افغان هستند.^۱

۲. حقوق آموزشی کودکان

پس از حق حیات و حق امنیت کودکان، می‌توان گفت حقوق آموزشی از جمله مهم‌ترین حقوق کودکان است. این حق در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به موجب ماده ۱۳ آن مورد شناسایی و تاکید قرار گرفته است. در بند الف ذیل بند دوم ماده ۱۳ آموزش و پرورش اجباری و رایگان تا مقطع متوسطه همراه با آموزش فنی و حرفه‌ای مورد تاکید قرار گرفته است.^۲ همین موضوع با جزییات بیشتر در ماده ۲۸ پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک نیز بدین شرح آمده است:

۱- کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک را نسبت به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند و برای دستیابی تدریجی به این حق و براساس ایجاد فرصت‌های مساوی، اقدامات ذیل را معمول خواهند داشت:

الف) اجباری و رایگان نمودن تحصیل ابتدائی برای همگان.
 ب) تشویق توسعه اشکال مختلف آموزش متوسطه منجمله آموزش حرفه‌ای و کلی، در دسترس قرار دادن این‌گونه آموزش‌ها برای تمام کودکان و اتخاذ اقدامات لازم از قبیل ارائه آموزش و پرورش رایگان و دادن کمک‌های مالی در صورت لزوم.
 ج) در دسترس قرار دادن آموزش عالی برای همگان براساس توانایی‌ها و از هر طریق مناسب.

۱. پوران محمدی، روزنامه جام‌جم، شماره ۳۴۲۶، شانزده خرداد ۱۳۹۱.

۲. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ سازمان که در سال ۱۳۵۴ ایران به آن پیوسته است را در اینجا ببیند.

د) در دسترس قرار دادن اطلاعات و راهنمایی‌های آموزشی و حرفه‌ای برای تمام کودکان.

ه) اتخاذ اقداماتی جهت تشویق حضور مرتب کودکان در مدارس و کاهش غیبت‌ها.

۲- کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات لازم را جهت تضمین این که نظم و انضباط در مدارس مطابق با حفظ شئون انسانی کودکان و مطابق با کنوانسیون حاضر باشد، به عمل خواهند آورد.

۳- کشورهای طرف کنوانسیون همکاری‌های بین‌المللی را در موضوعات مربوط به آموزش و پرورش، خصوصاً در زمینه زدودن جهل و بیسوادی در سراسر جهان و تسهیل دسترسی به اطلاعات فنی و علمی و روش‌های مدرن آموزشی، تشویق و افزایش خواهند داد. در این ارتباط، به نیازهای کشورهای در حال توسعه توجه خاصی خواهد شد.

دستیابی به این حق به صورت فرصت‌های برابر اهمیت بسزایی در رشد و شکوفایی همه کودکان خواهد داشت. محرومیت کودک از آن برای شخص او و اجتماعی که بدان تعلق دارد می‌تواند تبعات ناگواری در پی داشته باشد. یکی از نمونه‌هایی که در این باره مثال می‌زنند، ارتباط بی‌سوادی و یا پایین بودن سطح سواد با ارتکاب جرایم مهم و توأم با خشونت است. عمده زندانیان در سراسر دنیا را افرادی با سطح دانش پایین یا بی‌سوادی تشکیل می‌دهند.

مهم‌ترین جنبه‌های حقوق آموزشی کودک از این قرار است:

۱. کودکان بازمانده از تحصیل: عدم آموزش کودکان و یا بازماندن آنان از حق تحصیل در آمارهای اخیر در ایران نمایان است. براساس سرشماری سال ۱۳۹۰ تعداد ۲۰ میلیون و ۹۷۰ هزار نفر در ایران بی‌سوادی یا کم سواد هستند (دارای حداکثر ۵ کلاس سواد) یا اینکه ۳۰ میلیون و ۲۶۰ هزار نفر از جمعیت بالای ۱۷ سال کشور تحصیلاتی حداکثر در حد سیکل دارند. از این تعداد ۱۴ میلیون ۵۹۰ هزار نفر مرد و ۱۵ میلیون و ۶۷۰ هزار نفر زن هستند. این موضوع حاصل بازماندن بخش بزرگی از کودکان کشور از تحصیل است. بر اساس گزارش روزنامه دنیای اقتصاد، در سال ۱۳۹۰ تعداد ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار کودک واجب‌التعلیم از تحصیل بازمانده‌اند، بخش عظیمی از این کودکان متعلق به مناطق محروم کشور هستند.^۱ البته

آمارهای متناقضی از کودکانی که به سن آموزش رسیده ولی در مدارس ثبت نام نکرده اند هم ارائه می شود. همشهری آنلاین گزارش می دهد که آمارهای وزارت آموزش و پرورش نیز در این زمینه متناقض است.^۱

عوامل عدیده‌ای برای بازماندن کودک به خصوص کودکان حاشیه شهرهای بزرگ و یا کودکان مناطق قومی و روستایی برای بازماندن از تحصیل وجود دارد. یکی از این عوامل را می توان ناشی از عدم آموزش به زبان مادری در سنین پایین در مناطق ترک، بلوچ، کرد، عرب و ترکمن زبان یاد کرد.

فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی اخیراً با ایجاد مناقشه در آموزش «به زبان مادری» و یا آموزش «زبان مادری» و با تفکیک بین این دو تهیه کتب درسی به زبان مادری اقوام را رد کرده است در حالی که قانون اساسی حق آموزش زبان مادری را پذیرفته است. در نتیجه آموزش به زبان مادری و یا آموزش زبان مادری هر دو مانند گذشته مورد بی توجهی قرار دارد.

همچنین فقر یکی از عوامل مهم محرومیت کودکان از ادامه تحصیل شناخته می شود. جام جم آنلاین در شهریور ماه سال ۱۳۹۲ نیز در تحلیل خود به مناسبت در پیش رو بودن مهرماه در ضمن ارائه آمارهایی از کودکان بازمانده از تحصیل دلایل مورد اشاره نگارنده از عوامل بازماندن از تحصیل را تا حدودی تایید می کند.^۲

۲. کودکان و لزوم آموزش به زبان مادری: کودک زمانی که در سنین اولیه آموزشی قرار دارد نمی تواند به زبانی غیر از زبانی که در خانه با آن تکلم می کند، آموزش را آغاز نماید. این موضوع از دو جهت اهمیت دارد: اول اینکه سبب می شود تا کودک روزهای پر اضطرابی را در دوره نخست آموزش تحمل نماید. دوم این که، این موضوع برای کودکان خانواده‌هایی که سواد کمتری دارند و یا بی سواد هستند، سخت تر خواهد بود چون امکان مساعدت به این کودکان برای این خانواده‌ها فراهم نیست. بنابراین، اغلب کودکان خانواده‌هایی روستایی و مناطق حاشیه‌ای استان‌ها و مناطق غیرفارسی زبان امکان برابر دسترسی به آموزش به زبان مادری را ندارند و این سبب محرومیت آن‌ها از تحصیل می شود.

۱. همشهری آنلاین آمارهای ۱۴۵ هزار تا ۳۰۰ هزار کودک شش ساله بازمانده از تحصیل را در اول مهرماه سال ۱۳۹۲ از جانب مسئولین آموزش و پرورش ارائه می دهد. این آمارها پوشش ضعیف آموزش نسبت به همه کودکان دبستانی را می رساند.

۲. جام جم آنلاین در گزارش خود به نقل از رئیس نهضت سوادآموزی نگرانی خود را از گم شدن و فراموشی بازماندگان از تحصیل بیان می دارد و عمده این کودکان را متعلق به خانواده‌های تهیدست و حاشیه‌ها معرفی می کند.

بدون تردید آمار ترک تحصیل بر اساس گزارش‌های متعدد از جمله گزارش روزنامه دنیای اقتصاد که در بند فوق اشاره شد، ارتباط نزدیکی با حاشیه‌نشینی دارد. حاشیه‌های مرزهای کشور که معمولاً مناطق غیرفارسی زبان‌اند، بالاترین نرخ بازماندن از تحصیل را نشان می‌دهد.

۳. مساله تبعیض جنسی در آموزش: یکی از حقوقی که از کودکان دختر ممکن است بیش از کودکان پسر دریغ شود، حق آموزش در کودکی به خاطر جنسیت است. مهم‌ترین علت نفی این حق به ساختار اجتماعی و فرهنگی باز می‌گردد. این ساختار سن رشد و بلوغ دختران را ۶ سال کمتر از پسران می‌داند، چون پسر در سن ۱۵ سالگی بالغ فرض می‌گردد در حالی که دختر در سن ۹ سالگی. هم‌چنین، در قانون مدنی ماده ۱۰۴۱ سن ازدواج دختران ۱۳ و سن ازدواج پسران ۱۵ سال در نظر گرفته شده است. همین امر سبب شده است تا از یک طرف دختران سریع به ازدواج داده شوند، یا بهتر بگوییم مجبور به ازدواج شوند؛ چون دختری که در سنین کودکی کمتر از ۱۵ سالگی است قطعاً درکی از ازدواج نخواهد داشت. در عین حال، ازدواج در سنین بالاتر از ۱۵ تا ۱۸ سالگی نیز مانع حق آموزش آن‌ها خواهد شد.

بر اساس تصمیم وزارت آموزش و پرورش از یک طرف کودکان دانش‌آموز دختر تشویق به ازدواج می‌شوند، و از طرفی دیگر بلافاصله پس از ازدواج از مدارس روزانه اخراج می‌شوند! وب‌سایت شهروند در این باره می‌گوید: «همین که دختران دانش‌آموز ابروهایشان را بر می‌دارند، کار تمام شده است، و در نتیجه اخراج می‌شوند.» موضوع اخراج یک مسئله است، که سبب باز ماندن از تحصیل به سبب متاهل شدن در سنین کودکی است. موضوع ازدواج در سنین مدرسه نیز مشکل دیگری است که با ازدواج حق آموزش از این دختران دریغ می‌شود. بر اساس همین گزارش دلیل اعمال این تبعیض، ممانعت از معاشرت دختران متاهل با سایر دختران در مدارس فرض می‌شود.

بر اساس برخی آمارها، شمار کودکان مادر بین سنین ۱۰ تا ۱۵ سال قابل توجه است. دخترانی که زود مادر می‌شوند، گزارشی است از روزنامه ابتکار که نشان می‌دهد در سال ۹۱ چهار تولد برای مادر ۱۰ ساله، ۱۷ تولد برای مادر ۱۱ ساله، ۵۰ تولد برای مادر ۱۲ ساله، ۲۷۵ تولد برای مادر ۱۳ ساله و ۱۲۸۹ تولد برای مادر ۱۴ ساله ثبت شده است. این آمار مادران کودک بالای ۱۵ سال را شامل نمی‌شود.

در همین راستا بر اساس مطلب مندرج در وب‌سایت توانا، علیرضا علی احمدی رئیس کمیسیون تدوین الگوی سبک زندگی اسلامی-ایرانی پیشنهاد کوتاه کردن

ایام مدرسه دختران از ۱۲ سال به ۱۰ سال برای تسریع در ازدواج‌شان را مطرح می‌نماید.

قدر مسلم تمام افرادی که زیر ۱۸ سال ازدواج می‌کنند، و یا مادر می‌شوند همگی در معرض نقض حقوق آموزشی قرار دارند. این دسته از شهروندان، امکان خاتمه دوران آموزش را نخواهند داشت و کم‌سواد و یا بی‌سواد باقی می‌مانند. به طور طبیعی اکثر این کودکان دختر هستند که در معرض نقض این حق قرار دارند اگر چه ازدواج کودکان پسر ۱۵ سال به بالا نیز در کشور مشاهده می‌شود. اما دختران بیش از پسران و در سنین بسیار پایین‌تری در معرض آن هستند. ساختار فرهنگی مذهبی در مناطق مختلف کشور نیز بعضاً دختران را در معرض ترک تحصیل قرار می‌دهد و در پاره‌ای مواقع خانواده‌ها از تحصیل دختران‌شان ممانعت می‌کنند.

۴. ناپرابری امکانات آموزشی: یونیسف گزارشی از کمبود امکانات آموزشی در مناطق سیستان و بلوچستان دارد که در آن زندگی کودکی به نام «اسماء» دختر ۱۵ ساله‌ای بیان می‌شود. او به دلیل نبود مدرسه راهنمایی در محل زندگی‌اش و این که مجبور بوده هر روز از روستای خودشان یک ساعت را در اتوبوس باشد تا به مدرسه برسد، امکان رفتن به مدرسه را صرفاً به دلیل دور از دسترس بودن مدرسه از دست داده است.^۱ بسیاری از دانش‌آموزان مناطق سیستان و بلوچستان و بخش‌هایی از هرمزگان، کرمان و برخی نقاط دیگر تا امروز نیز در کپرهایی که به عنوان مدرسه مورد استفاده قرار می‌گیرند، به تحصیل اشتغال دارند. یا بسیاری از مناطق روستایی و دورافتاده در استان‌های کردستان و سایر مناطق ایران نیز با کمبود فضای مناسب آموزشی روبرو هستند.^۲

کمبود امکانات فقط شامل فضای آموزشی نیست. در مدارس کپری قطعاً امکانات بهداشتی نیز فراهم نخواهد بود. طبیعی است که سایر امکانات تعلیم و تربیت نیز در چنین شرایطی فراهم نیست. اگر مقایسه مختصری بین مدارس شمال شهر تهران با سایر نقاط کشور داشته باشیم تفاوت را بی‌نیاه می‌بینیم. هیچ دلیلی برای ایجاد تفاوت و تبعیض در این عرصه وجود ندارد. آموزش حق همه کودکان و امکانات آموزشی برابر لازمه این موضوع آموزش است.

نبود امکانات آموزشی، پوشش کامل آموزشی را از بسیاری کودکان حذف می‌کند. گزارش خبرگزاری ایسنا از همدان نشان می‌دهد که در این استان که در

۱. «امکان آموزش دختران در محروم‌ترین استان ایران»، وبسایت فارسی یونیسف.

۲. روایت خبرنگار همشهری از مدارس کپری در دل کویر را در اینجا ببینید.

ظاهر جزء مناطق محروم هم محسوب نمی‌شود، پوشش آموزشی صد درصد وجود ندارد، و این گزارش وجود مدارس کپری در این منطقه را نیز تایید می‌کند.

۵. حق کودک در فراگیری حقوق بشر: پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک علاوه بر این که حقوق اساسی و مهم کودک را بر می‌شمرد، مبنایی دارد که بر اساس آن، دولت‌های عضو باید مواردی را که شامل حقوق اساسی، حقوق فرهنگی و حقوق بشر می‌شود را در مفاد آموزش‌های رسمی کودکان بگنجانند. در ماده ۲۹ این پیمان‌نامه آمده است:

۱- کشورهای طرف کنوانسیون موافقت می‌نمایند که موارد ذیل باید جزء آموزش و پرورش کودکان باشد.

الف) پیشرفت کامل شخصیت، استعدادها و توانایی‌های ذهنی و جسمی کودکان.

ب) توسعه احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و اصول مذکور در منشور سازمان ملل.

ج) توسعه احترام به والدین کودک، هویت فرهنگی، زبان و ارزش‌های ادبی و ملی کشوری که در آن زندگی می‌کند، و به موطن اصلی کودک و به تمدن‌های متفاوت با تمدن وی.

د) آماده نمودن کودک برای داشتن زندگی مسئولانه در جامعه‌ای آزاد و بارو حیه‌ای از تفاهم، صلح، صبر، تساوی زن و مرد و دوستی بین تمام مردم، گروه‌های قومی، مذهبی و ملی و اشخاص دیگر.

ه) توسعه احترام نسبت به محیط طبیعی.

۲- از هیچ‌یک از بخش‌های این ماده و ماده ۲۸ نباید چنان تعبیر شود که محل آزادی افراد و ارگان‌ها برای تأسیس و اداره مؤسسات آموزشی باشد که همواره طبق اصول ذکر شده در پاراگراف ۱ این ماده و با شرایط ارائه آموزش مطابق با حداقل استاندارد ذکر شده توسط دولت ایجاد می‌شود.

در بیانیه کنفرانس وین ۱۹۹۳ که به اعلامیه وین معروف شده است، به موجب پاراگراف ۲۰ مقدمه آن، تاکید می‌شود که آموزش حقوق بشر باید در واحدهای درسی و آموزشی گنجانده شود.

آموزش حقوق بشر و احترام به آزادی‌های اساسی و هویت فرهنگی و سایر مواردی که در این قانون دیده می‌شود، می‌تواند موجب رشد و شکوفایی بهتر کودک و ایجاد روحیه صلح و برابری در او گردد. با پذیرش این موضوع در پیمان‌نامه این موارد از جمله حقوق آموزشی کودک محسوب می‌شوند.

بنابراین، آموزش و پرورش ایران ملزم است تا موارد یاده شده بالا را به کودکان آموزش دهد. آموزش حقوق بشر بخشی از حقوق بشر است. در بند دوم ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز این مهم مورد توجه قرار گرفته است. این ضرورت در ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز آمده است: «کشورهای عضو موافقت می‌نمایند که آموزش و پرورش باید، شکوفایی کامل شخصیت انسانی و احساس حیثیت آن و تقویت احترام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. علاوه بر این، کشورهای طرف این میثاق موافقت دارند که آموزش و پرورش باید کلیه افراد را برای ایفای نقش سودمند در یک جامعه آزاد آماده سازد و موجبات تفاهم و تساهل و دوستی بین کلیه ملل و گروه‌های نژادی، قومی یا مذهبی را فراهم آورد و توسعه فعالیت‌های سازمان ملل متحد را به منظور حفظ صلح تشویق نماید.»

از دیدگاه برخی فعالان جامعه مدنی، دولت اراده جدی برای آموزش حقوق بشر به کودکان را ندارد. بنابراین، در فقدان اراده جدی دولت در ترویج حقوق بشر، جامعه مدنی ایران، ابتکار عمل را به دست گرفته تا در کنار فشار آوردن به دولت برای گنجاندن واحدهای درسی حقوق بشر در مدارس و حتی حوزه‌های علمیه و تربیت مدرسانی مستقل در این زمینه، خودشان در جهت آموزش حقوق بشر به مردم به خصوص به گروه‌های آسیب‌پذیرتر از جمله زنان، کودکان، اقلیت‌ها و معلولان در سراسر کشور و به ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته، گام بردارند و آن را به عنوان بخشی ضروری از زندگی مدنی در اذهان و عرف مردم تبدیل کنند. این یک رویا نیست بلکه کاری است که از دهه‌های پیش در بسیاری از کشورها حتی در کشورهای محروم تر از ایران، چون افغانستان، آغاز شده است.^۱

۶. حق آموزش جنسی به کودکان متناسب با رشد آن‌ها: ضرورت آموزش و آگاهی جنسی در کودکان امروز مورد اتفاق است، اما در جوامع مختلف با این موضوع به شیوه‌هایی متفاوت روبرو می‌شوند. اهمیت این آموزش از دو جهت کلی است؛ نخست این که این موضوع بخشی از هویت و زندگی کودک است و باید از آن به شکلی که هست آگاه شود و سپس به دلیل این که این آموزش به کودک کمک خواهد کرد تا در مقابل تعرض و یا تماس‌های جنسی دیگران محفوظ و آگاه باشد.

متأسفانه آموزش جنسی در زندگی معمولی ما به باورهای خرافی و برخی ساختارهای نادرست فرهنگی گره خورده است که مانع آموزش صحیح به کودک

۱. محمدرضا آفتاب، «آموزش حقوق بشر و الزامات نظام آموزشی ایران» مجله خط صلح، بهمن ۱۳۹۲.

در این زمینه می‌شود. در حالی که به اعتقاد کارشناسان این امر ضروری است. به باور یکی از این کارشناسان صرف نظر از متغیرهای ژنتیک و متعاقب آن هورمونی که باعث می‌شوند یک نوزاد با جنسیت مونث یا مذکر به دنیا بیاید، آدمی از همان بدو تولد با مناسبات مرتبط با جنسیت مواجه است و این مواجهه تا زمان مرگ ادامه دارد. بنابراین، آموزش جنسی نیز از همان سال‌های نخست زندگی آغاز می‌شود. یعنی حتی وقتی که اطرافیان کودک متوجه نیستند، به طور مستقیم و غیر مستقیم در حال تأثیرگذاری بر مفاهیمی همچون هویت جنسی و نقش جنسی کودک هستند. طبیعی است که هرچه سن کودک بیشتر می‌شود، ملاحظات تربیتی او نیز پیچیده‌تر می‌شود و همان‌طور که بسیاری از ابعاد یادگیری مثل زبان یا بسیاری از مهارت‌های حرکتی محدوده ایدئال خاص خود را دارند، آموزش جنسی نیز متناسب با سن کودک و سپس در دوران نوجوانی ملاحظات خاص خود را می‌طلبد.

به اعتقاد این کارشناس، محدود دانستن این امور به روابط جنسی بزرگسالان باعث می‌شود والدین نتوانند در این زمینه با کودکان خود صحبت کنند. خود آن‌ها نیز اغلب در سن مناسب با این مقوله آشنا نشده‌اند. بدتر آن که بسیاری از آن‌ها تصور می‌کنند که صحبت در این رابطه ممکن است به ترغیب کودکان برای تفحص بیشتر و حتی تجربه‌های نامطلوب منجر شود. این تصویری اشتباه است که متأسفانه برخی در نظام بهداشتی و آموزشی کشور بر آن پافشاری دارند. در حالی که مطالعات متعدد، چه در کشورهای توسعه یافته و چه در کشورهای در حال توسعه، نشان داده‌اند که آموزش مناسب در سن مقتضی، نه تنها باعث تشویق رفتار پرخطر نشده است، بلکه فرزندان که از نظر جنسی به درستی آموزش دیده‌اند حتی در نوجوانی و جوانی فعالیت جنسی را به مراتب دیرتر شروع کرده‌اند.^۱

امروز کودکان با هویت‌های جنسی اقلیت، مانند دوجنسی و یا همجنس‌خواه و سایر انواع آن، در کشور وجود دارند. اغلب این افراد در معرض رفتارها، قضاوت‌ها و فشارهای نادرست اجتماع و خانواده قرار می‌گیرند. بسیاری از کودکان اگر امکان آموزش داشته باشند ممکن است بتوانند از خود در مقابل خطراتی که آشکار شدن هویت جنسی آن‌ها در سنین نوجوانی تهدیدشان می‌کند، آگاه شوند.

۷. حق آموزش کودکان مهاجر: ایام کودکی زمان قابل تعریفی از زندگی است. برای آن دسته از کودکان که در شرایط سخت پناهندگی قرار می‌گیرند و امکان آموزش پیدا نمی‌کنند و از رفتن به مدرسه باز می‌مانند، این ایام به هیچ‌وجه

۱. دکتر علی آذین، متخصص سلامت جنسی، «باید و نیاید های آموزش جنسی به کودکان»،

تکرار نخواهد شد. کودکان مهاجر افغان که بیش از سی سال است ساکن ایران هستند، اغلب به بهانه واهی از راه پیدا کردن به مدارس داخل ایران بازمانده‌اند. این افراد امروزه به عنوان بزرگسال اما بی سواد در ایران زندگی می‌کنند. این درحالی ست که مطابق ماده ۲۲ کنوانسیون حقوق کودک حق پناهندگی برای کودک نیز مطرح است. این حق شامل همه تضمین‌های همراه آن نیز خواهد بود.

کودکان مهاجر اعم این که پناهنده باشند و یا غیر مجاز به اتفاق والدین خود وارد ایران شده باشند، از حق استفاده از امکانات آموزشی برخوردارند. این حق مادام که هر فرد مهاجر در هر سرزمینی زندگی می‌کند، با او همراه است.

البته از ابتدای ورود مهاجران افغان به ایران، آن دسته از آن‌ها که کارت اقامت دریافت کرده بودند، کودکان‌شان در مدارس مشغول تحصیل شدند، اما آن دسته از کودکان افغان که والدین آن‌ها امکان ثبت نام به موقع برای دریافت کارت نداشته‌اند، از این حق بی بهره مانده‌اند. این افراد سالیان زیادی است در ایران بسر می‌برند اما از مدرسه محروم‌اند. این موضوع به خود آن‌ها و جامعه ایران آسیب وارد ساخته است. در سال‌های پایانی دهه ۷۰ تلاشی‌هایی برای آموزش بهتر این دسته از کودکان صورت گرفت، و در سال ۱۳۸۰ هیات وزیران به سوادآموزی کودکان مهاجر توجه نشان داد، و در ماده ۱۲۹ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور برای اولین بار با استناد به کنوانسیون ۱۹۵۱ ملل متحد به نحوه آموزش اتباع خارجی و کودکان افغان پرداخته است. البته متأسفانه این حق را با پرداخت شهریه برای کودکان همراه کرده است.

همچنین در تبصره ۳ ماده اول قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳ مجلس، شهروندان خارجی مقیم ایران مورد حمایت قرار گرفته‌اند. این حق و حمایت در وهله نخست شامل کودکان و حق آموزش آن‌ها می‌شود. با همه این موارد و فعالیت برخی سازمان‌های مردم‌نهاد کماکان کودکان پناهنده و یا مهاجر افغان در ایران با مشکلات زیادی برای دسترسی به آموزش مناسب درگیرند.^۱

حق امنیت اجتماعی و منع بهره‌کشی و کار کودکان

حق برخورداری از امنیت اجتماعی برای کودکان در ماده ۲۶ پیمان نامه حقوق کودک به رسمیت شناخته شده است، اما در حقوق داخلی ایران به صورت جداگانه

۱. برای اطلاعات بیشتر گزارش انجمن حمایت از کودکان پناهنده را در روزنامه دنیای اقتصاد شماره ۲۹۲۵، خرداد ۱۳۹۲، در اینجا ببینید.

موضوع بهره‌مندی کودکان از حقوق اجتماعی و امنیت اجتماعی مورد توجه نبوده است. تنها در برخی قوانین پراکنده این موضوع مورد توجه مثبت و در مواردی منفی قرار گرفته است.

۱. کودکان کار و خیابان

دسترسی نداشتن به آموزش اختصاص به کودکان افغان یا مهاجر ندارد. کودکان محروم از آموزش ایرانی که در عین حال ناگزیرند کار کنند هم بسیاری از این کودکان نمی‌توانند کودکی کنند. از زبان کودکان کار و خیابان بشنویم:

– همه آرزویم داشتن یک دوچرخه بود، آنقدر کفش‌های مردم را واکنس زدم که توانستم دوچرخه قراضه‌ای بگیرم، اما بعد از دو، سه روز پدر معتادم آن را فروخت تا خرج موادمش کند؛ آنقدر عقده‌ای شده بودم که بار بعد دوچرخه‌ای دزدیدم.

– در ساختمان‌ها، کار نظافت انجام می‌دهم، وقتی که آنجا بچه‌های همسن خودم را در حال بازی می‌بینم، خجالت می‌کشم؛ من کار می‌کنم و آن‌ها جلوی چشمم مشغول بازی هستند.

– عاشق این بودم که با خواهرم به پارکی برویم که پر از وسایل بازی بود؛ برای همین دو ماه، تمام روز را کار کردم، در قلکم بیست هزار تومان جمع شد؛ هیچ‌موقع یادم نمی‌رود، مجبور شدم تمام آن را به خانه بدهم.^۱

بر اساس ماده ۷۹ قانون کار ایران و مقررات سازمان بین‌المللی کار، کار کودکان ممنوع است و حداقل سن برای کار کودک ۱۵ سال تعیین شده است. اما این قاعده ممنوعیت سه استثنا دارد:

اول اینکه: با تغییراتی که در سال‌های اخیر در قانون کار به نفع کارفرمایان صورت گرفته است بخشی از کارگاه‌ها در شرایطی که کمتر از ۵ کارگر داشته باشند از شمول قانون کار خارج شده‌اند. با این اقدام دولت مقررات قانون کار درباره کودکان در صورتی که کارگاه کوچک باشد الزام کارفرمایان تا ۵ کارگر به رعایت حداقل سن ضروری نیست. در این شرایط کودکان می‌توانند در کارگاه‌های کوچک با مزدهای ناچیز مورد استثمار کارفرمایان قرار گیرند. این درحالی است که براساس مقررات بین‌المللی کار چنانچه قبلاً اشاره شد، حداقل سن کودک برای کار هیچ استثنایی نمی‌تواند بپذیرد.

۱. گزارش جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، «ک مثل کار، مثل کودک»، روزنامه شهروند شماره ۱۹۶، ۲۶ دی ۱۳۹۲.

دوم: طبق ماده ۱۸۸ قانون کار، کارگران کارگاه‌های خانوادگی که انجام کار آن‌ها منحصرًا توسط صاحب کار و همسر و خویشاوندان نسبی درجه یک وی انجام می‌شود، مشمول این قانون نخواهد بود. در نتیجه، حداقل سن در مورد بخش مهمی از کودکان کار که بوسیله والدین یا سایر بستانگان‌شان مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرند، مراعات نمی‌شود. در حقیقت بهره‌کشی بوسیله والدین و با اطلاع آن‌ها در کارگاه‌های خانوادگی مجاز شناخته شده است!

سوم: استثناء دیگر مثبت است و شامل کودکان ۱۵ تا ۱۸ سال می‌شود و طبق مقاله‌نامه ۱۹۷۳ سازمان ملل وضع شده است. در ماده ۸۴ قانون کار آمده است: «به کار گماردن افراد کمتر از ۱۸ سال برای کارهایی که ماهیت آن‌ها برای سلامتی و اخلاق نوجوانان زیان‌آور است ممنوع می‌باشد.» برای نیل به این موضوع در مواد ۸۰ و ۸۱ قانون کار پیش‌بینی شده است که کارگران ۱۵ تا ۱۸ سال کارگر نوجوان شناخته می‌شوند و در بدو شروع به کار باید مورد آزمایش‌های پزشکی قرار گیرند. از این راه هر نوع کاری به این دسته از کودکان نمی‌توان سپرد، مثلاً سپردن کارهای سخت و زیان‌آور به آن‌ها ممنوع است.

ممنوعیت کار کودکان ابعاد مختلفی دارد. از این رو کار کودک، ولو کودک‌کافی که توانایی کار دارند، ممنوع است چرا که از یک طرف مانع رشد و آموزش او می‌شود و از طرفی دیگر کار کودک معمولاً با استثمار او همراه است. بدترین شکل کار بهره‌کشی از کودکان است اعم از این که والدین در آن نقش داشته باشند و یا صاحبان سرمایه و قدرت و یا دولت و نهادهای وابسته به قدرت دولتی.

قوانین بین‌المللی و داخلی کار کودکان و بهره‌کشی از آن‌ها را به اشکال مختلف ممنوع ساخته است ولی به دلیل اینکه ممنوعیت‌های اعلام شده تاثیر مناسب و یکسان در جهان برای جلوگیری از کار کودکان نداشته است، در سال ۱۹۹۹ سازمان بین‌المللی کار اولویت خود را بر ممنوعیت و اقدام فوری در توقف اشکال مختلف کار کودکان قرار داده و در همین سال کنوانسیون به همین منظور تصویب کرده است. این کنوانسیون در سال ۱۳۸۰ به تایید دولت ایران و تصویب مجلس رسیده است.

بر اساس این کنوانسیون، همه کودکان کمتر از ۱۸ سال باید در مقابل بدترین اشکال کار کودک حمایت شوند. یعنی در مقابل کلیه اشکال بردگی، بندگی به علت بدهی و رعیتی و کار با زور و یا اجباری، استخدام کودکان برای استفاده در درگیرهای مسلحانه، استفاده از کودکان برای روسپیگری، تولید هرزه‌نگاری،

فعالیت‌های غیر قانونی و هر نوع کاری که برای سلامت و ایمنی کودک مضر است.^۱ با همه اوصاف و اهمیتی که ممنوعیت کار کودکان دارد، و با وجود اینکه کار کودکان حاصلی برای خود کودک معمولاً ندارد، و کودک در اثر آن از رشد مناسب باز می‌ماند یا ممکن است ابزار بردگی و استثمار او فراهم شود، آمارهایی تکان‌دهنده از کار کودکان در جهان و ایران وجود دارد. بر اساس برخی آمارها اکثر کودکان کار یا در خیابان و یا در کارگاه‌های زیرزمینی مشغول کار هستند. بخش عظیمی از این تعداد کودکان مهاجر و یا کودکان خانواده‌های فقیر و محروم از آموزش هستند.

بر اساس آمار سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران، یک میلیون و ۷۰۰ هزار کودک به صورت مستقیم درگیر کار هستند. مرکز پژوهش‌های مجلس نیز در سال ۱۳۹۰ سه میلیون ۲۶۵ هزار کودک بازمانده از تحصیل در کشور را نشان می‌دهد. حداقل نیمی از این تعداد درگیر کار و بردگی هستند. یعنی از کار خود مزدی بیش از غذا و سرپناه به دست نمی‌آورند و معمولاً برای خود کار نمی‌کنند. فعالان حقوق کودک نیز بین این رقم را دو میلیون و نیم تا سه میلیون تخمین می‌زنند. سرشماری نیروی کار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۱ نشان می‌دهد که حدود ۷ درصد کودکان ده سال و بیشتر کار می‌کنند.^۲

تامین حقوق اجتماعی کودکان از قبیل بیمه و حق آموزش رایگان و حمایت از والدین معلول و یا از کار افتاده و ناتوان و نیز حمایت از کودکانی که سرپرست قانونی خود را از دست می‌دهند، مانع بردگی و بهره‌کشی به اشکال مختلف از کودکان می‌شود.

برای کودکان کاری که امروز در خیابان‌ها و یا در زیرزمین‌ها و یا در سرزمین‌های مختلف مورد انواع سوء استفاده‌ها قرار می‌گیرند همیشه و اکنون دیر است، اقدام فوری و عاجل لازم است تا آینده این کودکان تباہ نگردد.

۲. حقوق ویژه برای کودکان معلول

امنیت اجتماعی برای کودکان معلول از آنچه برای کودکان غیر معلول در نظر گرفته می‌شوند، فراتر است. این دسته از کودکان باید مورد مراقبت‌ها و آموزش‌های

۱. برای اطلاعات بیشتر، کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای اشکال کار کودکان مصوب ۱۹۹۹ مجمع عمومی سازمان ملل و ماده واحده الحاق دولت ایران به این کنوانسیون مصوب ۱۳۸۰ را در اینجا ببینید.

۲. گزارش جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، روزنامه شهروند شماره ۱۹۶.

ویژه قرار گیرند. کودکان معلول آسیب پذیرترین افراد جامعه محسوب می شوند و به حمایت افزون تر نیاز دارند.

پیمان نامه جهانی حقوق کودک در ماده ۲۳ کشورهای عضو را به تضمین منزلت کودکانی که جسماً و یا ذهناً دچار نقص هستند، فراخوانده است. شرکت فعال این دسته از کودکان در اجتماع و تسهیل شرایط رشد آنها و برخورداری از زندگی آبرومندانه در این ماده مد نظر قرار گرفته است. ماده ۲۳ پیمان نامه حقوق کودک می گوید: کودکان معلول برای برخورداری از یک زندگی مناسب، به آموزش و پرورش و مراقبت ویژه نیاز دارند.

در ماده ۷ کنوانسیون جهانی حقوق معلولین مصوب ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶، شرایطی برای تضمین حقوق کودکان معلول مد نظر قرار گرفته است:

۱- کشورهای عضو باید تمام اقدامات لازم برای اطمینان از برخورداری کامل کودکان معلول از حقوق انسانی و آزادی های اساسی را به صورت برابر با سایر کودکان آغاز نمایند.

۲- در تمام اقدامات مرتبط با کودکان، منافع عالیه کودک با اهمیت ترین ملاحظات است.

۳- کشورهای عضو باید اطمینان حاصل کنند که کودکان معلول دارای حق ابراز عقیده آزادانه در تمام موضوعات مربوط به خود هستند و باید به عقیده آنها بر اساس سن و بلوغ، برابر با سایر کودکان توجه کرد و مطابق با معلولیت و ملاحظات سنی مساعدت های لازم را برای شناسایی آن حق به عمل آورد.

همین موضوع در ماده اول قانون حمایت از حقوق معلولین (مصوب اردی بهشت ۱۳۸۳) بیان شده و ضرورت حمایت دولت از این دسته از شهروندان مطرح گردیده است. اما اشاره صریح به حقوق کودکان معلول نشده است. در آیین نامه این قانون تسهیلاتی برای خانواده های دارای کودک معلول مانند معافیت از خدمات سربازی سرپرست پیش بینی شده است. ماده یک قانون حمایت از معلولین می گوید: دولت موظف است زمینه های لازم را برای تأمین حقوق معلولین، فراهم و حمایت های لازم را از آنها به عمل آورد.

حق دسترسی به اطلاعات، مناسب سازی، ساده سازی و بی خطر سازی های محیطی، ارتقای آگاهی، آموزش و حق دسترسی به آن، تکنولوژی آموزشی و توانبخشی، حق زندگی، دفاع از امنیت جسمی در هنگام خطر از جمله در درگیرهای نظامی، فوریت ها و حوادث طبیعی، رهایی از بهره کشی و خشونت، دفاع از موجودیت

فردی و فراهم کردن زمینه زندگی مستقل فرد معلول به منظور مشارکت اجتماعی و آموزش مهارت‌های حرکتی، ارائه خدمات بهداشتی و برخورداری از تامین اجتماعی مناسب، از جمله بیمه‌های درمان، عمر و تمهید تغذیه مناسب از جمله حقوق مسلم تمام کودکان معلول است.^۱

۳. ممنوعیت ازدواج کودکان

سالانه ۱۴ میلیون و دویست هزار، و روزانه ۳۹ هزار دختر در سنین پایین در جهان ازدواج می‌کنند. بر اساس گزارش انجمن سرمایه مردمی سازمان ملل، بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ پیش‌بینی می‌شود که بیش از ۱۴۰ میلیون دختر کوچک عروس شوند.^۲

ازدواج کودکان یکی از ابزارهای بهره‌کشی از آن‌ها شناخته می‌شود. ازدواج کودکان مانعی جدی برای محرومیت آنها از حقوق مختلف است، از جمله همان‌طور که در حقوق آموزشی به این موضوع اشاره داشتیم، کودکان با ازدواج در گام نخست از حق آموزش محروم می‌شوند، و در گام‌های بعدی ازدواج سبب محرومیت از سایر امکانات زندگی و در پی آن حامله شدن در کودکی برای دختران می‌شود. تردیدی نیست که ازدواج کودکان آثار ناگواری را دربر خواهد داشت، از این رو، این اتفاق همراه با رضایت در کودک فرض نمی‌شود. به همین دلیل، اگر چه سن ازدواج در قانون مدنی ایران ۱۳ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسران در نظر گرفته شده اما در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ایران آمده است که ازدواج کودکان زیر سنین یاد شده منوط به اجازه ولی کودک با تایید دادگاه است. با این همه، متأسفانه این امر سبب شده است تا تعداد زیادی کودک در سنین ۱۰ سال به بالا که عمدتاً دختر هستند ازدواج نمایند.

قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۰ که از سال ۱۳۹۲ لازم‌الاجرا شد نیز تغییری در این وضعیت نداده است و تنها بر ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی صحنه گذشته است (موضوع ماده ۵۰ قانون حمایت از خانواده). با این قانون امیدی به رهایی کودکان از ازدواج در سنین کودکی نیست. این قانون زمینه مساعدی برای قرار گرفتن کودکان در مسیر خشونت‌های مختلف و نادیده‌انگاری حقوق مسلم آن‌ها ایجاد می‌کند.

۱. برای مطالعه بیشتر: «حقوق اطفال معلول»، در اینجا.

۲. «سالانه بیش از ۱۴ میلیون ازدواج کودکان در جهان ثبت می‌شود»، ترجمه گزارشی از سازمان ملل در وبسایت خانه امن.

۴. حق بهره‌مندی از سرپرستی شایسته؛ فرزند خواندگی

کودکان همواره باید تحت سرپرستی والدین خود باشند و این اصل همواره باید مراعات گردد. بر اساس ماده ۲۰ پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک این حق کودک است که به طور دائمی از محیط خانوادگی بهره‌مند باشند.

در وهله نخست کودک باید مورد مراقبت والدین و نزدیکان خود باشد و هر یک از والدین باید مراقبت‌های ویژه بر اساس سن کودک نسبت به او داشته باشند. رها کردن کودکان بدون مراقبت در حقوق بین‌المللی ممنوع شده است. در حقوق داخلی در ایران نیز کودکانی که فاقد توانایی لازم هستند چنانچه رها شوند و در اثر سهل‌انگاری و عدم مراقبت آسیبی ببینند، والدین و سرپرستان آن‌ها مسئول شناخته می‌شوند.

ماده ۶۳۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ این موضوع را مورد حمایت قرار داده و رها کردن کودکان فاقد توانایی حفاظت شخصی را جرم دانسته و برای رها کردن این کودکان زندان و جریمه پیش‌بینی کرده است. در این ماده آمده است: «هرگاه کسی شخصاً یا به دستور دیگری طفل یا شخصی را که قادر به محافظت خود نمی‌باشد در محلی که خالی از سکنه است رها نماید به حبس از شش ماه تا دو سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا دوازده میلیون ریال محکوم خواهد شد و اگر در آبادی و جایی که دارای سکنه باشد رها کند تا نصف مجازات مذکور محکوم خواهد شد و چنانچه این اقدام سبب وارد آمدن صدمه یا آسیب یا فوت شود رهاکننده علاوه بر مجازات فوق حسب مورد به قصاص یا دیه یا ارش نیز محکوم خواهد شد.»

مطلوب‌ترین حالت برای کودک قرار داشتن تحت مراقبت والدین خود است و البته والدین باید توجه داشته باشند که مجاز به انجام هر نوع رفتاری با کودک خود نیستند و قانون از حقوق کودک حمایت می‌کند. اما اگر شرایطی پیش آید که کودکی فاقد سرپرست قانونی و یا دارای سرپرست بد باشد، در این حالت چنین کودکی حق بهره‌مندی از فرزند خواندگی را دارد.

در شرایطی که امکان ادامه زندگی کودک به هر دلیل با والدین خودش مهیا نیست و یا به زیان اوست، اغلب کشورهای جهان با قبول سیستم فرزندخواندگی سعی در تامین شرایط نسبتاً طبیعی برای رشد متناسب کودکان دارند. این شرایط با شرایط قانونی فرزندخواندگی می‌تواند فراهم شود.

فرزندخواندگی، ماهیتی حمایتی دارد. از این رو در پیمان‌نامه حقوق کودک در ماده ۲۱ برای اینکه این موضوع به هر جهت به ابزار ضد خود و یا ضد حمایتی تبدیل

نگردد، شرایط سختگیرانه‌ای برای آن در نظر گرفته شده است. در ماده ۲۱، تضمین این که فرزندخواندگی از طریق مقامات مسئول صورت گیرد و منافع عالیه کودک مورد توجه باشد، و اگر بین دو کشور انجام می‌شود در چارچوب مشخص قانونی باشد، اهمیت دارد.

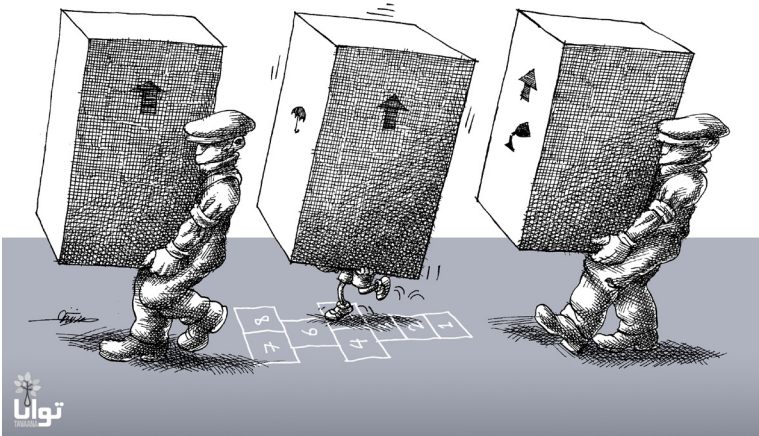
در مقررات داخلی ایران نیز قانون فرزندخواندگی جدید مصوب ۱۳۹۲ شرایط سختگیرانه‌ای را در جهت حمایت از کودک وضع کرده است که در آن شاهد برخی موارد خوب و البته برخی موارد نامتناسب با منافع عالیه کودک هستیم. از جمله موارد با اهمیت این قانون رعایت اشتراکات دینی سرپرست با کودک، شرایط سرپرست از نظر توان مالی و توان جسمی برای سرپرستی و نداشتن فرزند والیته قبول سرپرستی برای زنان به صورت انفرادی از موارد با اهمیت است. اما از بندهای نامطلوب این قانون پیش‌بینی امکان ازدواج فرزندخوانده با سرپرست است (ماده ۲۶ قانون). گرچه این امر منوط به اخذ مجوز از دادگاه و استعلام از سازمان بهزیستی شده است، اما این کافی به مقصود و نهی ضروری آن نیست. واردن کردن این ایده به قانون امنیت روانی برای فرزندخواندگی را مختل می‌سازد.^۱

کلام آخر این که: توجه به حقوق کودک می‌تواند رشد و تعالی یک جامعه را در آینده تضمین نماید و از محورهای ارزیابی سلامت جامعه شناخته می‌شود. غفلت در قبال همه ابعاد حقوق کودک، جامعه را در شرایط نادرست، قانون‌گریز، خشونت‌طلب و هرج و مرج خواه و بی‌انضباط قرار خواهد داد.

۱. متن قانون فرزندخواندگی را در اینجا می‌توانید ببینید.

پیموست

پیمان نامه حقوق کودک



مانا نیستانی، کودکان کار

قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک

ماده واحده - کنوانسیون حقوق کودک مشتمل بر یک مقدمه و ۵۴ ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن داده می‌شود مشروط بر آن که مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعایه نباشد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و کنوانسیون ضمیمه شامل یک مقدمه و ۵۴ ماده در جلسه روز یکشنبه اول اسفند ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۱۱ به تایید شورای نگهبان رسیده است.

رئیس مجلس شورای اسلامی

علی اکبر ناطق نوری^۱

۱. قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک

کنوانسیون حقوق کودک

مصوب نوامبر ۱۹۸۹ (۲۳)

مقدمه

کشورهای طرف کنوانسیون حاضر:

با توجه به این که طبق اصول اعلام شده در منشور سازمان ملل به رسمیت شناختن حقوق لاینفک، مساوی و منزلت تمام اعضای خانواده بشری زیربنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است،

با در نظر داشتن این که اعضای سازمان ملل در منشور سازمان، اعتقاد خود را به حقوق اساسی و مقام و ارزش انسان و عزم خود را برای افزایش پیشرفت های اجتماعی و معیارهای زندگی بهتر توأم با آزادی های بیشتر، در آزادی ها پیش تر اعلام کرده اند،

با تشخیص این که سازمان ملل در اعلامیه جهانی حقوق بشر و در کنوانسیون های بین المللی حقوق بشر اعلام و موافقت نموده که هر یک از افراد بدون هرگونه تبعیض از نظر نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی، جایگاه اجتماعی یا ملی، تولد و یا سایر خصوصیات، در تمام حقوق و آزادی هایی که در آن کنوانسیون ها و اعلامیه ها اعلام شده، ذی حق می باشند،

و نظر به این که سازمان ملل در اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام نموده است که دوران کودکی مستلزم مراقبت ها و مساعدت های ویژه می باشد،

با اعتقاد به این که خانواده به عنوان جزء اصلی جامعه و محیط طبیعی برای رشد و رفاه تمام اعضای خود خصوصاً کودکان می بایستی از حمایت ها و مساعدت های لازمه به نحوی برخوردار شود که بتواند مسئولیت های خود را در جامعه ایفا کند،

با تشخیص این که کودک برای رشد کامل و متعادل شخصیتی خود می بایستی در محیط خانواده و در فضایی (مملو) از خوشبختی، محبت و تفاهم بزرگ شود،

با توجه به این که کودک می بایست آمادگی کامل برای زندگی فردی در جامعه داشته باشد و در سایه ایده آل هایی که در منشور سازمان ملل اعلام شده، خصوصاً صلح، احترام، بردباری، آزادی، برابری و اتحاد بزرگ شود،

با در نظر داشتن این که لزوم انجام مراقبت های ویژه از کودک در اعلامیه حقوق کودک ژنو ۱۹۲۴ بیان شده، در ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ در اعلامیه حقوق کودک

مجمع عمومی به تصویب رسیده، در اعلامیه جهانی حقوق بشر و در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (خصوصاً در موارد ۲۳ و ۲۴)، در کنوانسیون بین‌المللی حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی (خصوصاً در ماده ۱۰) و در اسناد و احکام سازمان‌های تخصصی و سازمان‌های بین‌المللی مربوط به رفاه کودکان به رسمیت شناخته شده است،

با توجه به این که در اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح شده است، «کودک به خاطر نداشتن رشد کامل فیزیکی و ذهنی محتاج مراقبت و حمایت‌هایی از جمله حمایت‌های مناسب حقوقی قبل و بعد از تولد می‌باشد»،

با در نظر گرفتن مفاد اعلامیه اصول حقوقی و اجتماعی مربوط به حمایت و رفاه کودکان با اشاره ویژه به موضوع فرزند رضاعی و فرزندخواندگی ملی و بین‌المللی، قانون حداقل استاندارد سازمان ملل در مورد اجرای عدالت برای افراد صغیر (قوانین پکن) و اعلامیه حمایت از زنان و کودکان در مواقع اضطراری و جنگ‌ها، با تشخیص این که در تمام کشورهای جهان کودکانی وجود دارند که تحت شرایط دشوار زندگی می‌کنند و این گونه کودکان محتاج توجهات ویژه‌ای هستند، با توجه به ارزش‌های سنتی و فرهنگی هر ملت در حمایت و تعلیم و تربیت یکنواخت کودک، و با عنایت به اهمیت همکاری‌های بین‌المللی برای بهبود شرایط زندگی کودکان در تمام کشورها خصوصاً کشورهای در حال توسعه، به توافقات ذیل نایل شدند:

بخش ۱

ماده ۱

از نظر این کنوانسیون منظور از کودک افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال است مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.

ماده ۲

۱. کشورهای طرف کنوانسیون، حقوقی را که در این کنوانسیون در نظر گرفته شده، برای تمام کودکانی که در حوزه قضائی آنها زندگی می‌کنند بدون هیچ‌گونه تبعیضی از جهت نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی، ملیت، جایگاه قومی و اجتماعی، مال، عدم توانایی، تولد و یا سایر احوال شخصیه والدین و یا قیم قانونی محترم شمرده و تضمین خواهند نمود.

۲. کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات لازم را جهت تضمین حمایت از کودک در مقابل تمام اشکال تبعیض، مجازات بر اساس موقعیت، فعالیت‌ها، ابراز عقیده و یا عقاید والدین، قیم قانونی و یا اعضای خانواده کودک به عمل خواهند آورد.

ماده ۳

۱. در تمام اقدامات مربوط به کودکان که توسط مؤسسات رفاه اجتماعی عمومی و یا خصوصی، دادگاه‌ها، مقامات اجرائی، یا ارگان‌های حقوقی انجام می‌شود، منافع کودک از اهم ملاحظات می‌باشد.

۲. کشورهای طرف کنوانسیون متقبل می‌شوند که حمایت‌ها و مراقبت‌های لازمه را برای رفاه کودکان، با توجه به حقوق و وظایف والدین آنها، قیم و یا سایر افرادی که قانوناً مسئول آنان هستند، تضمین کنند و در این راستا اقدامات اجرائی و قانونی مناسب معمول خواهد گردید.

۳. کشورهای طرف کنوانسیون تضمین خواهند نمود که مؤسسات، خدمات و وسائلی که مسئول مراقبت و حمایت کودکان هستند مطابق با معیارهایی باشند که توسط مقامات ذی صلاحیت خصوصاً در زمینه‌های ایمنی، بهداشت، تعداد کارکنان آن مؤسسات و نحوه نظارت و بازرسی، تعیین شده است.

ماده ۴

کشورهای طرف کنوانسیون اقدامات اجرائی و قانونی لازم را جهت تحقق حقوق شناخته شده در این کنوانسیون معمول خواهند داشت. کشورهای طرف کنوانسیون با توجه به حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی اقداماتی را در جهت به کارگیری حداکثر منابع موجود خود و در صورت لزوم در چارچوب همکاری‌های بین‌المللی به عمل خواهند آورد.

ماده ۵

کشورهای طرف کنوانسیون احترام به مسئولیت‌ها، حقوق و وظایف والدین و یا در صورت قابلیت اطلاق، اعضای خانواده بزرگی که از طریق آداب محلی به وجود می‌آید، قیم و یا سایر اشخاصی که قانوناً مسئول کودک هستند را متقبل می‌شوند و به طریقی که موجب تکامل توانایی‌های کودک شود، راهنمایی و ارشاد لازم را

جهت اعمال حقوق شناخته شده کودک در این کنوانسیون، به عمل خواهند آورد.

ماده ۶

۱. کشورهای طرف کنوانسیون حق ذاتی هر کودک را برای زندگی به رسمیت خواهند شناخت.
۲. کشورهای طرف کنوانسیون ایجاد حداکثر امکانات را برای بقا و پیشرفت کودک تضمین خواهند نمود.

ماده ۷

۱. تولد کودک بلافاصله پس از به دنیا آمدن ثبت می‌شود و از حقوقی مانند حق داشتن نام، کسب تابعیت و در صورت امکان، شناسایی والدین و قرار گرفتن تحت سرپرستی آنها برخوردار می‌باشد.
۲. کشورهای طرف کنوانسیون این حقوق را مطابق با قوانین ملی و تعهدات خود طبق اسناد بین‌المللی مربوطه در این زمینه، خصوصاً در مواردی که کودک در صورت عدم اجرای آنها آواره محسوب گردد، لازم‌الاجرا تلقی خواهند کرد.

ماده ۸

۱. کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک برای حفظ هویت خود، من جمله ملیت، نام و روابط خانوادگی را طبق قانون و بدون مداخله تضمین خواهند کرد.
۲. در مواردی که کودک به طور غیرقانونی از تمام یا برخی از حقوق مربوط به هویت خود محروم شود، کشورهای عضو حمایت و مساعدت‌های لازم را برای استیفای سریع حقوق فوق به عمل خواهند آورد.

ماده ۹

۱. کشورهای طرف کنوانسیون تضمین می‌نمایند که کودکان علی‌رغم خواسته‌شان از والدین خود جدا نشوند، مگر در مواردی که مقامات ذی‌صلاح مطابق قوانین و مقررات و پس از بررسی‌های قضایی مصمم شوند که این جدایی

به نفع کودک است. این گونه تصمیمات ممکن است در موارد به خصوصی از قبیل سوءاستفاده و یا بی توجهی والدین کودک و یا هنگام جدا شدن والدین از یکدیگر ضرورت یابد و در این صورت باید در مورد محل اقامت کودک تصمیمی اتخاذ شود.

۲. در هر یک از مراحل دادرسی مربوط به پاراگراف اول ماده ۹ باید به تمام طرف های ذی نفع فرصت داده شود در مراحل دادرسی شرکت کرده و نظرات خود را ابراز کنند.

۳. کشورهای طرف کنوانسیون، حق کودکی را که از یک یا هر دو والدین جدا شده، مبنی بر حفظ روابط شخصی و تماس مستقیم با والدین به طور منظم رعایت خواهند نمود، مگر در مواردی که این امر مغایر منافع کودک باشد.

۴. هنگامی که جدایی ناشی از اقدامات دولت از قبیل بازداشت، زندانی کردن، تبعید، اخراج یا مرگ (منجمله مرگی که در حین توقیف بودن شخص واقع شود) یکی یا هر دو والدین و یا کودک باشد، کشور طرف کنوانسیون بنا به درخواست، والدین یا کودک یا در صورت اقتضا یکی از اعضای خانواده را در جریان اطلاعات ضروری در مورد اموال فرد غایب خانواده قرار خواهد داد، مگر در مواردی که دادن این گونه اطلاعات مضر به حال کودک باشد. کشورهای طرف کنوانسیون هم چنین تضمین خواهند نمود که تسلیم این درخواست فی نفسه عواقبی برای افراد مربوطه در پی نداشته باشد.

ماده ۱۰

۱. مطابق با تعهدات کشورهای طرف کنوانسیون در پاراگراف ۱ ماده ۹، در خواست کودک یا والدین وی برای ورود یا ترک کشور برای به هم پیوستن مجدد خانواده، از سوی کشور طرف کنوانسیون با نظر مثبت و به روشی انسانی و سریع بررسی خواهند شد. کشورهای طرف کنوانسیون با نظر مثبت و به روشی انسانی و سریع بررسی خواهند شد. کشورهای طرف کنوانسیون هم چنین تضمین خواهند نمود که تسلیم این گونه در خواستها عواقبی برای درخواست کننده و اعضای آنها در پی نخواهد داشت.

۲. کودکی که والدینش در کشورهای جداگانه زندگی می کنند حق دارد گذشته از شرایط استثنایی به طور منظم روابط شخصی و تماس مستقیم با والدین خود داشته باشد. بدین منظور و مطابق با تعهدات مندرج در پاراگراف ۲ ماده

۹، کشورهای طرف کنوانسیون حق والدین و کودک برای ترک هر کشور من جمله کشور ملی خود و ورود به هر کشور دیگری را محترم خواهند شمرد. حق ترک هر کشوری فقط مشمول محدودیت‌هایی است که در قانون تصریح شده و برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت عمومی یا اخلاقیات یا حقوق یا آزادی‌های دیگران یا سایر حقوقی که در این کنوانسیون به رسمیت شناخته شده‌اند، ضروری است.

ماده ۱۱

۱. کشورهای طرف کنوانسیون اقداماتی را در جهت مبارزه با انتقال قاچاق و عدم بازگشت کودکان (مقیم) خارج معمول خواهند داشت.
۲. در این راستا، کشورهای طرف کنوانسیون انعقاد توافق‌نامه‌های دو جانبه و یا چند جانبه یا پذیرش توافق‌نامه‌های موجود را تشویق خواهند نمود.

ماده ۱۲

۱. کشورهای طرف کنوانسیون تضمین خواهند کرد کودکی که قادر به شکل دادن به عقاید خود می‌باشد، بتواند این عقاید را آزادانه درباره تمام موضوعاتی که مربوط به وی می‌شود ابراز کند. به نظرات کودک مطابق با سن و بلوغ وی بها داده شود.
۲. بدین منظور، خصوصاً برای کودک فرصت‌هایی فراهم آورده شود تا بتواند در هر یک از مراحل دادرسی اجرائی و قضایی مربوط به وی به طور مستقیم یا از طریق یک نماینده یا شخصی مناسب به طریقی که مطابق با مقررات اجرائی قوانین ملی باشد، ابراز عقیده نماید.

ماده ۱۳

۱. کودک دارای حق آزادی ابراز عقیده می‌باشد. این حق شامل آزادی جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات و عقاید از هر نوع، بدون توجه به مرزها، کتبی یا شفاهی یا چاپ شده، به شکل آثار هنری یا از طریق هر رسانه دیگری به انتخاب کودک می‌باشد.
۲. اعمال این حق ممکن است منوط به محدودیت‌های خاصی باشد، ولی این محدودیت‌ها فقط منحصر به مواردی است که در قانون تصریح شده و

ضرورت دارند.

الف - برای احترام به حقوق یا آبروی دیگران

ب - برای حفاظت از امنیت ملی یا نظم عمومی یا به خاطر سلامت عمومی و یا مسائل اخلاقی.

ماده ۱۴

۱. کشورهای طرف کنوانسیون حق آزادی فکر، عقیده و مذهب را برای کودک محترم خواهند شمرد.
۲. کشورهای طرف کنوانسیون حقوق و وظایف والدین و سایر سرپرستان قانونی کودک را درباره هدایت کودک در جهت اعمال حقوق وی به طریقی که باعث اعتلای استعدادها و توانایی‌های کودک شود، محترم خواهند شمرد.
۳. آزادی ابراز عقیده و مذهب فقط طبق محدودیت‌هایی که در قانون تصریح شده و برای حفظ امنیت، نظم، سلامت و اخلاقیات عمومی و یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران لازم است، محدود می‌شود.

ماده ۱۵

۱. کشورهای طرف کنوانسیون، حقوق کودک را در مورد آزادی تشکیل اجتماعات و مجامع مسالمت‌آمیز به رسمیت می‌شناسند.
۲. به غیر از محدودیت‌هایی که در قانون تصریح شده و یا برای حفظ منافع امنیت ملی یا امنیت عمومی، نظم عمومی، سلامت عمومی و اخلاقیات و یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضروری است، هیچ محدودیتی در اعمال این حقوق وجود ندارد.

ماده ۱۶

۱. در امور خصوصی، خانوادگی، یا مکاتبات هیچ کودکی نمی‌توان خودسرانه یا غیرقانونی دخالت کرد یا هتک حرمت نمود.
۲. کودک در برابر این گونه دخالت‌ها و یا هتک حرمت‌ها مورد حمایت قانون قرار دارد.

ماده ۱۷

کشورهای طرف کنوانسیون به عمل کرد مهم رسانه‌های گروهی واقف بوده و دسترسی کودک به اطلاعات و مطالب از منابع گوناگون و بین‌المللی، خصوصاً مواردی که مربوط به اعتلای رفاه اجتماعی، معنوی یا اخلاقی و بهداشت جسمی و روحی وی می‌شود را تضمین می‌کنند. در این راستا، کشورها اقدامات ذیل را به عمل خواهند آورد:

الف) تشویق رسانه‌های گروهی به انتشار اطلاعات و مطالبی که برای کودک استفاده‌های اجتماعی و فرهنگی داشته و با روح ماده ۲۹ نیز مطابق باشد.

ب) تشویق همکاری‌های بین‌المللی در جهت تولید، مبادله و انتشار این گونه اطلاعات و مطالب از منابع گوناگون فرهنگی، ملی و بین‌المللی

ج) تشویق تولید و انتشار کتاب‌های کودکان

د) تشویق رسانه‌های گروهی جهت توجه خاص به احتیاجات مربوط به آموزش زبان کودکانی که به گروه‌های اقلیت تعلق دارند یا بومی هستند. ه) تشویق توسعه خط مشی‌های مناسب در جهت حمایت از کودک در برابر اطلاعات و مطالبی که به سعادت وی آسیب می‌رساند با توجه به مفاد مواد ۱۳ و ۱۸.

ماده ۱۸

۱. کشورهای طرف کنوانسیون بیشترین تلاش خود را برای تضمین به رسمیت شناختن این اصل که پدر و مادر کودک مسئولیت‌های مشترکی در مورد رشد و پیشرفت کودک دارند، به عمل خواهند آورد. والدین و یا قیم قانونی مسئولیت عمده را در مورد رشد و پیشرفت کودک به عهده دارند. اساسی‌ترین مسئله آنان (حفظ) منافع عالیۀ کودک است.

۲. کشورهای طرف کنوانسیون به منظور تضمین و اعتلای حقوقی که در این کنوانسیون بیان شده همکاری‌های لازم را با والدین و قیم قانونی در جهت اجرای مسئولیت‌هایشان برای تربیت کودک به عمل خواهند آورد و ایجاد مؤسسات، تسهیلات و خدماتی را برای نگهداری کودکان تضمین خواهند کرد.

۳. کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات لازم را در جهت تضمین حق استفاده کودکانی که دارای والدین شاغل می‌باشند، از خدمات و تسهیلات

مربوط به نگهداری کودکان به عمل خواهند آورد.

ماده ۱۹

۱. کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت حمایت از کودک در برابر تمام اشکال خشونت‌های جسمی و روحی، آسیب‌رسانی یا سوءاستفاده، بی‌توجهی یا سهل‌انگاری، بدرفتاری یا استثمار منجمله سوءاستفاده جنسی در حینی که کودک تحت مراقبت والدین یا قیم قانونی یا هر شخص دیگری قرار دارد، به عمل خواهند آورد.

۲. این‌گونه اقدامات حمایتی در موارد مقتضی باید شامل اقدامات مؤثر برای ایجاد برنامه‌های اجتماعی در جهت فراهم آوردن حمایت‌های لازمه از کودک و کسانی که مسئول مراقبت از وی می‌باشند و نیز حمایت در برابر سایر اشکال محدودیت‌ها و نیز برای پیشگیری، شناسایی، گزارش‌دهی، ارجاع، تحقیق، درمان و پی‌گیری موارد بدرفتاری‌هایی که قبلاً ذکر شد و نیز بر حسب مورد پشتیبانی از پیگرد قضائی باشد.

ماده ۲۰

۱. کودک نباید به طور موقت یا دائم از محیط خانواده و از منافع خویش محروم باشد و باید از طرف دولت تحت مراقبت و مورد مساعدت قرار گیرد.

۲. کشورهای طرف کنوانسیون می‌بایست طبق قوانین ملی خود مراقبت‌های جایگزین دیگری را برای این‌گونه کودکان تضمین نمایند.

۳. این‌گونه مراقبت‌ها شامل موارد زیادی می‌شود، از جمله تعیین سرپرست و کفیل در قوانین اسلامی، فرزند خواندگی و یا در صورت لزوم اعزام کودک به مؤسسات مناسب مراقبت از کودکان باشد. به هنگام بررسی راه‌حل‌ها باید به استمرار مطلوب در تربیت کودک، قومیت، مذهب، فرهنگ و زبان کودک توجه خاص شود.

ماده ۲۱

کشورهایی که سیستم فرزندخواندگی را به رسمیت شناخته و مجاز می‌دانند، باید منافع عالی کودک را در اولویت قرار داده و نکات زیر را مراعات کنند.

الف) تضمین این که فرزندخواندگی فقط از سوی مقامات ذی‌صلاحی

انجام می‌شود که مطابق با قوانین و مقررات لازم‌الاجرا و براساس اطلاعات موثق و قابل اطمینان تعیین می‌کنند که فرزندخواندگی با توجه به وضعیت وی در ارتباط با والدین، خویشاوندان و قیم قانونی مجاز است و در صورت مقتضی رضایت اشخاص فوق را برای فرزندخواندگی براساس مقررات لازم‌ه کسب می‌کنند.

ب) تضمین این که در صورتی که کودک را نتوان به روشی مناسب در کشور خود تحت سرپرستی یک خانواده در آورد، فرزندخواندگی در سایر کشورها به عنوان راه‌حلی دیگر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ج) تضمین برخورداری کودکانی که در سایر کشورها پذیرفته می‌شوند از مراقبت‌ها و حقوقی که به هنگام فرزندخواندگی در کشور خود، شامل حال آنان می‌شود.

د) اتخاذ تمام اقدامات لازم جهت تضمین این که قبول کودک در سایر کشورها برای افراد مربوطه متضمن منافع مالی نباشد.

ه) در صورت لزوم، پیشبرد اهداف ماده حاضر از طریق انعقاد قراردادها یا اتخاذ ترتیبات دو یا چند جانبه و تلاش در این چارچوب برای تضمین این که پذیرش کودک در یک کشور دیگر از طریق ارگان‌ها یا مقامات ذی‌صلاح انجام شود.

ماده ۲۲

۱. کشورهای طرف کنوانسیون اقدام لازم را جهت تضمین برخورداری کودکانی که خواهان پناهندگی است و یا پناهنده تلقی می‌شود، چه همراه والدین خود باشد یا شخص دیگری، مطابق با قوانین و مقررات محلی و بین‌المللی، از حمایت‌ها و مساعدت‌های بشردوستانه لازم و از حقوق مربوطه که در این کنوانسیون یا سایر اسناد بشردوستانه یا حقوق بشر مقرر شده و کشورهای فوق‌الذکر نسبت به آنها متعهد می‌باشند، به عمل خواهند آورد.

۲. بدین منظور، کشورهای طرف کنوانسیون بنا به صلاح‌دید خود با سازمان ملل و سایر سازمان‌های بین‌المللی یا غیردولتی ذی‌صلاح که با سازمان ملل کار می‌کنند در جهت حمایت و مساعدت از این گونه کودکان و ردیابی والدین یا سایر اعضای خانواده کودکان پناهنده و برای کسب اطلاعات لازم برای به هم پیوستن مجدد اعضای خانواده همکاری خواهند کرد. در صورتی که موفق به

یافتن والدین یا سایر اعضای خانواده نشوند، با کودک همان گونه که در این کنوانسیون اظهار شده، درست مانند کودکی که به طور موقت یا دائم از محیط خانوادگی به هر دلیل محروم شده، رفتار خواهد شد.

ماده ۲۳

۱. کشورهای طرف کنوانسیون اذعان دارند کودکی که ذهناً یا جسماً دچار نقص می‌باشد باید در شرایطی که متضمن منزلت و افزایش اتکاء به نفس باشد و شرکت فعال کودک در جامعه را تسهیل نماید، رشد یافته و از یک زندگی آبرومند و کامل برخوردار گردد.

۲. کشورهای طرف کنوانسیون حق کودکان معلول را برای برخورداری از مراقبت‌های ویژه به رسمیت می‌شناسد و ارائه این مراقبت‌ها را بر حسب شرایط والدین و یا مسئولین کودک و منوط به وجود منابع، به این گونه کودکان و کسانی که مسئول مراقبت از وی هستند، تشویق و تضمین خواهند کرد.

۳. با تشخیص نیازهای ویژه کودک معلول، کمک‌های مقرر شده در پاراگراف ۲ این ماده در صورت امکان می‌بایست به طور رایگان و با در نظر گرفتن منابع مالی والدین و یا مسئولین کودک انجام گیرد و می‌بایست به نحوی برنامه‌ریزی شود که کودک معلول بتواند دسترسی مؤثر به آموزش، تعلیم و تربیت و خدمات مراقبتی بهداشتی، خدمات توانبخشی، آمادگی برای اشتغال و ایجاد فرصت به روشی که موجب دستیابی کودک به حداکثر کمال اجتماعی و پیشرفت شخصی از جمله پیشرفت فرهنگی و معنوی وی می‌شود، داشته باشد.

۴. کشورهای طرف کنوانسیون در سایه همکاری‌های بین‌المللی، مبادله اطلاعات لازم را در زمینه مراقبت‌های بهداشتی جهت پیشگیری و معالجات پزشکی، روانشناسی و توانبخشی کودکان معلول من جمله انتشار و در دسترس قرار دادن اطلاعات مربوط به روش‌های توانبخشی، آموزش و خدمات حرفه‌ای با هدف قادر ساختن کشورهای طرف کنوانسیون به پیشبرد توانایی‌ها و مهارت‌های خود و گسترش تجربیات آنان در این زمینه‌ها، افزایش خواهند داد. در این ارتباط، به نیازهای کشورهای در حال توسعه توجه خاصی مبذول خواهد شد.

ماده ۲۴

۱. کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک را جهت برخورداری از

بالاترین استاندارد بهداشت و از تسهیلات لازم برای درمان بیماری و توانبخشی به رسمیت می‌شناسند. آنان برای تضمین این که هیچ کودکی از رسیدن به این حق و دسترسی به خدمات بهداشتی محروم نخواهد شد، تلاش خواهند نمود.

۲. کشورهای طرف کنوانسیون موضوع را تا اجرای کامل این حق دنبال خواهند کرد و خصوصاً در زمینه‌های ذیل روش‌های مناسب را اتخاذ خواهند کرد.

(الف) کاهش میزان مرگ و میر نوزادان و کودکان

(ب) تضمین فراهم نمودن مشورت‌های پزشکی و مراقبت‌های بهداشتی اولیه
(ج) مبارزه با بیماری‌ها و سوء تغذیه، از جمله در چارچوب مراقبت‌های بهداشتی اولیه از طریق به کار بستن تکنولوژی‌های در دسترس و از طریق فراهم نمودن مواد غذایی مقوی و آب آشامیدنی سالم و در نظر گرفتن خطرات آلودگی محیط زیست.

(د) تضمین مراقبت‌های قبل و پس از زایمان مادران

(ه) تضمین این که تمام اقشار جامعه خصوصاً والدین و کودکان از مزایای تغذیه شیر مادر، بهداشت و بهداشت محیط زیست و پیشگیری از حوادث اطلاع داشته و به آموزش دسترسی داشته و در زمینه استفاده از اطلاعات اولیه بهداشت کودک و تغذیه مورد حمایت قرار دارند.

(و) توسعه مراقبت‌های بهداشتی پیشگیرانه، ارائه راهنمایی‌های لازم به والدین و آموزش تنظیم خانواده و خدمات.

۳. کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات لازم و مناسب را برای زدودن روش معالجات سنتی و خرافی در مورد بهداشت کودکان به عمل خواهند آورد.

۴. کشورهای طرف کنوانسیون پیشبرد و تشویق همکاری‌های بین‌المللی برای دستیابی تدریجی به تحقق کامل حقوق شناخته شده در کنوانسیون حاضر را متقبل می‌شوند. در این ارتباط، به نیازهای کشورهای در حال توسعه توجه خاصی خواهد شد.

ماده ۲۵

کشورهای طرف کنوانسیون حق کودکی که توسط مقامات ذی‌صلاح به منظور مراقبت، حفاظت و یا بهداشت جسمی و روحی به خانواده یا مؤسسه‌ای داده شده است را جهت انجام بررسی دوره‌ای نحوه رفتار با کودک و بررسی دوره درمان

ارائه شده برای کودک و تمام وضعیت‌های مربوط به نگهداری وی را به رسمیت می‌شناسد.

ماده ۲۶

۱. کشورهای طرف کنوانسیون حق برخورداری از امنیت اجتماعی من جمله بیمه اجتماعی را برای تمام کودکان به رسمیت می‌شناسند و اقدام لازم را جهت دستیابی به تحقق کامل این حق، مطابق با قوانین ملی، به عمل خواهند آورد.

۲. این مزایا در صورت مقتضی می‌بایست با توجه به منافع و شرایط کودک و اشخاصی که مسئولیت نگهداری وی را به عهده دارند و نیز هرگونه ملاحظه دیگری مربوط به کاربرد این مزایا در جهت منافع کودک در اختیارشان قرار گیرد.

ماده ۲۷

۱. کشورهای طرف کنوانسیون حق تمام کودکان را نسبت به برخورداری از استاندارد مناسب زندگی برای توسعه جسمی، ذهنی، روحی، اخلاقی و اجتماعی به رسمیت می‌شناسند.

۲. والدین یا سایر سرپرستان کودک، مسئولیت عمده‌ای در جهت تضمین شرایط زندگی مناسب برای پیشرفت کودک در چارچوب توانایی‌ها و امکانات عالی خود به عهده دارند.

۳. کشورهای طرف کنوانسیون، مطابق با شرایط ملی و در چارچوب امکانات خود، اقدام ضروری را برای یاری والدین و سایر اشخاص مسئول کودک در جهت اعمال این حق به عمل خواهند آورد و در صورت لزوم کمک‌های مالی و برنامه‌های حمایتی را خصوصاً در مورد تغذیه، پوشاک و مسکن فراهم خواهند کرد.

۴. کشورهای طرف کنوانسیون اقدام لازم جهت تضمین پرداخت مخارج کودک از سوی والدین و یا سایر اشخاصی که مسئولیت مالی کودک را به عهده دارند چه در داخل و چه در خارج از کشور به عمل خواهند آورد. در مواردی که شخص مسئول امور مالی کودک در کشوری متفاوت از کشور کودک زندگی می‌کند، کشورهای طرف کنوانسیون پذیرش موافقت‌نامه‌های بین‌المللی یا انعقاد این گونه موافقت‌نامه‌ها و نیز اتخاذ سایر ترتیبات لازم را تسریع

خواهند نمود.

ماده ۲۸

۱. کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک را نسبت به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند و برای دستیابی تدریجی به این حق و براساس ایجاد فرصت‌های مساوی، اقدامات ذیل را معمول خواهند داشت:

- الف) اجباری و رایگان نمودن تحصیل ابتدائی برای همگان
- ب) تشویق توسعه اشکال مختلف آموزش متوسطه من جمله آموزش حرفه‌ای و کلی، در دسترس قرار دادن این گونه آموزش‌ها برای تمام کودکان و اتخاذ اقدامات لازم از قبیل ارائه آموزش و پرورش رایگان و دادن کمک‌های مالی در صورت لزوم.
- ج) در دسترس قرار دادن آموزش عالی برای همگان براساس توانائی‌ها و از هر طریق مناسب.
- د) در دسترس قرار دادن اطلاعات و راهنمایی‌های آموزشی و حرفه‌ای برای تمام کودکان.
- ه) اتخاذ اقداماتی جهت تشویق حضور مرتب کودکان در مدارس و کاهش غیبت‌ها.
۲. کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات لازم را جهت تضمین این که نظم و انضباط در مدارس مطابق با حفظ شئون انسانی کودکان بوده و مطابق با کنوانسیون حاضر باشد، به عمل خواهند آورد.
۳. کشورهای طرف کنوانسیون همکاری‌های بین‌المللی را در موضوعات مربوط به آموزش و پرورش، خصوصاً در زمینه زدودن جهل و بی‌سوادی در سراسر جهان و تسهیل دسترسی به اطلاعات فنی و علمی و روش‌های مدرن آموزشی، تشویق و افزایش خواهند داد. در این ارتباط، به نیازهای کشورهای در حال توسعه توجه خاصی خواهد شد.

ماده ۲۹

۱. کشورهای طرف کنوانسیون موافقت می‌نمایند که موارد ذیل باید جزء آموزش و پرورش کودکان باشد.

(الف) پیشرفت کامل شخصیت، استعدادها و توانایی‌های ذهنی و جسمی کودکان.

(ب) توسعه احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و اصول مذکور در منشور سازمان ملل.

(ج) توسعه احترام به والدین کودک، هویت فرهنگی، زبان و ارزش‌های ادبی و ملی کشوری که در آن زندگی می‌کند، و به موطن اصلی کودک و به تمدن‌های متفاوت با تمدن وی.

(د) آماده نمودن کودک برای داشتن زندگی مسئولانه در جامعه‌ای آزاد و با روحیه‌ای (مملو) از تفاهم، صلح، صبر، تساوی زن و مرد و دوستی بین تمام مردم، گروه‌های قومی، مذهبی و ملی و اشخاص دیگر.

(ه) توسعه احترام نسبت به محیط طبیعی.

۲. از هیچ‌یک از بخش‌های این ماده و ماده ۲۸ نباید چنان تعبیر شود که مخلاً آزادی افراد و ارگان‌ها برای تأسیس و اداره مؤسسات آموزشی که همواره طبق اصول ذکر شده در پاراگراف ۱ این ماده و با شرایط ارائه آموزش مطابق با حداقل استاندارد ذکر شده توسط دولت ایجاد می‌شود، تلقی شود.

ماده ۳۰

در کشورهایی که اقلیت‌های قومی و مذهبی و یا اشخاص بومی زندگی می‌کنند، کودکی که متعلق به این اقلیت‌ها است باید به همراه سایر اعضای گروهش از حق برخورداری از فرهنگ و تعلیم و انجام اعمال مذهبی خود و یا زبان خویش برخوردار باشد.

ماده ۳۱

۱. کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک را برای تفریح و آرامش و بازی و فعالیت‌های خلاق مناسب سن خود و شرکت آزادانه در حیات فرهنگی و هنری به رسمیت می‌شناسند.

۲. کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک را برای شرکت کامل در حیات فرهنگی و هنری محترم شمرده و توسعه می‌دهند و فراهم نمودن فرصت‌های مناسب جهت شرکت در فعالیت‌های فرهنگی، هنری خلاق و تفریحی را تشویق خواهند نمود.

ماده ۳۲

۱. کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک جهت مورد حمایت قرار گرفتن در برابر استعمار اقتصادی و انجام هر گونه کاری که زیان‌بار بوده و یا توفقی در آموزش وی ایجاد کند و یا برای بهداشت جسمی، روحی، معنوی، اخلاقی و پیشرفت اجتماعی کودک مضر باشد را به رسمیت می‌شناسند.

۲. کشورهای طرف کنوانسیون اقدامات لازم قانونی، اجرائی، اجتماعی و آموزشی را در جهت تضمین اجرای این ماده به عمل خواهند آورد. در این راستا، و با توجه به مواد مربوطه در سایر اسناد بین‌المللی، کشورهای طرف کنوانسیون خصوصاً موارد ذیل را مورد توجه قرار خواهند داد:

الف) تعیین حداقل سن یا حداقل سنین برای انجام کار.

ب) تعیین مقررات مناسب از نظر ساعات و شرایط کار.

ج) تعیین مجازات‌ها و یا اعمال سایر ضمانت‌های اجرای مناسب جهت تضمین اجرای مؤثر این ماده.

ماده ۳۳

کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات لازم از جمله اقدامات قانونی، اجرائی، اجتماعی، آموزشی را جهت حمایت از کودکان در برابر استفاده غیرقانونی از مواد مخدر و یا مواد محرک، همان‌گونه که در معاهدات بین‌المللی مربوطه تعریف شده و جلوگیری از استفاده از کودکان در تولید غیرقانونی و قاچاق این گونه مواد به عمل خواهند آورد.

ماده ۳۴

کشورهای طرف کنوانسیون متقبل می‌شوند که از کودکان در برابر تمام اشکال سوءاستفاده‌ها و استعمارهای جنسی حمایت کنند. بدین‌منظور، کشورهای فوق خصوصاً اقدامات ملی، دو و چند جانبه را در جهت جلوگیری از موارد زیر به عمل می‌آورند.

الف) تشویق یا وادار نمودن کودکان برای درگیری در هر گونه فعالیت‌های جنسی.

ب) استفاده استثماری از کودکان در فاحشه‌گری و سایر اعمال غیرقانونی جنسی.

ج) استفاده استثماری از کودکان در اعمال و مطالب پُرنوگرافیک.

ماده ۳۵

کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات ضروری ملی، دو و چند جانبه را برای جلوگیری از ربوده شدن، فروش و یا قاچاق کودکان به هر شکل و به هر منظور به عمل خواهند آورد.

ماده ۳۶

کشورهای طرف کنوانسیون از کودکان در برابر تمام اشکال استثمار که هر یک از جنبه‌های رفاه کودک را به مخاطره اندازد، حمایت خواهند کرد.

ماده ۳۷

کشورهای طرف کنوانسیون اجرای اقدامات ذیل را متقبل می‌شوند.

الف) هیچ کودکی نباید تحت شکنجه یا سایر رفتارهای بیرحمانه و غیرانسانی یا مغایر شئون انسانی قرار گیرد. مجازات اعدام و یا حبس ابد بدون امکان بخشودگی را نمی‌توان در مورد کودکان زیر ۱۸ سال اعمال کرد.

ب) هیچ کودکی نباید به طور غیرقانونی و خودسرانه زندانی شود. دستگیری، بازداشت و یا زندانی کردن یک کودک می‌بایست مطابق با قانون باشد و به عنوان آخرین راه چاره و برای کوتاه‌ترین مدت ممکن باید بدان متوسل شد.

ج) با کودک زندانی باید به خاطر مقام ذاتی انسان، رفتاری انسانی و توأم با احترام داشت، به نحوی که نیازهای به خصوص سنی وی در نظر گرفته شود. کودکان زندانی خصوصاً باید از افراد بزرگسال جدا شوند مگر این که این امر مغایر مصالح کودک باشد. کودک جز در شرایط استثنایی حق دارد با خانواده خود از طرق نامه و ملاقات تماس گیرد.

د) هر کودک زندانی می‌بایست از حق دسترسی سریع به مشاوره حقوقی و یا سایر مساعدت‌های ضروری و نیز حق اعتراض نسبت به مشروعیت زندانی شدن خود در برابر دادگاه یا سایر مقامات ذی‌صلاح، مستقل و بی‌طرف و تصمیم‌گیری سریع در این گونه موارد برخوردار باشد.

ماده ۳۸

۱. کشورهای طرف کنوانسیون متقبل می‌شوند به مقررات قانون بین‌المللی بشر دوستی در زمان جنگ‌های مسلحانه که مربوط به کودکان می‌شود احترام بگذارند.

۲. کشورهای طرف کنوانسیون هر گونه اقدام عملی را جهت تضمین این که افراد کمتر از ۱۵ سال در مخاصمات مستقیماً شرکت نکنند، معمول خواهند داشت.

۳. کشورهای طرف کنوانسیون از استخدام افراد کمتر از ۱۵ سال در نیروهای مسلح خود خودداری خواهند کرد. این کشورها برای استخدام افرادی که بالای ۱۵ سال و زیر ۱۸ سال سن دارند، اولویت را به بزرگترها خواهند داد.

۴. کشورهای طرف کنوانسیون، مطابق با تعهدات خود نسبت به قانون بین‌المللی بشر دوستی در جهت حمایت از افراد غیرنظامی به هنگام جنگ‌های مسلحانه، تمام اقدامات عملی را برای تضمین حمایت و مراقبت از کودکانی که تحت تأثیر (عواقب) جنگ قرار گرفته‌اند به عمل خواهند آورد.

ماده ۳۹

کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات لازم را برای تسریع بهبودی جسمی و روحی و سازش اجتماعی کودک که قربانی بی‌توجهی، استثمار، سوءاستفاده، شکنجه یا سایر اعمال خشونت‌آمیز، غیرانسانی و تحقیرکننده یا جنگ بوده است، به عمل خواهند آورد. این روند بهبودی و پیوستن مجدد به جامعه می‌بایست در محیطی که موجب سلامت، اتکای نفس و احترام کودک شود، انجام گیرد.

ماده ۴۰

۱. کشورهای عضو در مورد کودکان مجرم یا متهم به نقض قانون کیفری این حق را به رسمیت می‌شناسند که با آنان مطابق با شئونات و ارزش کودک رفتار گردد. این امر موجب افزایش احترام کودک نسبت به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی دیگران شده، سن کودک را در نظر گرفته و با در نظر گرفتن سن کودک، باعث افزایش خواست وی برای سازش با جامعه و به عهده گرفتن نقشی سازنده می‌گردد.

۲. بدین منظور و با توجه به مفاد مربوطه اسناد بین‌المللی، کشورهای عضو

خصوصاً موارد ذیل را تضمین می نمایند:

الف) هیچ کودکی نباید به خاطر اعمالی که در زمان ارتکاب توسط قانون ملی یا بین المللی منع نشده، متهم یا گناهکار شناخته شود.

ب) هر کودکی که متهم یا محکوم به نقض قانون کیفری شود، حداقل دارای تأمین های زیر خواهد بود:

۱) بی گناه شناخته شدن تا زمانی که جرم طبق قانون ثابت بشود.

۲) اطلاع مستقیم و سریع از اتهامات وارده بر علیه وی، در صورت لزوم از طریق والدین و یا قیم قانونی، و (حق) داشتن مشاوره حقوقی و یا سایر کمک ها در تهیه و ارائه لایحه دفاعیه.

۳) روشن شدن موضوع در اسرع وقت توسط مقام یا ارگان قضائی بی طرف و مستقل و طی یک دادرسی عادلانه در حضور و کیل یا سایر کمک های حقوقی، مگر این که این امر در جهت منافع کودک تشخیص داده نشود، خصوصاً با در نظر گرفتن سن، موقعیت و یا والدین و یا قیم قانونی کودک.

۴) مجبور نبودن به دادن شهادت و یا اظهار تقصیر و امکان بررسی اظهارات شهود مخالف و کسب اجازه برای شرکت و بررسی اظهارات شاهدان وی در شرایط مساوی.

۵) دسترسی به مقام یا ارگان قضائی ذی صلاح، بی طرف و مستقل بالاتر بر طبق قانون در صورت مجرم شناخته شدن

۶) حق استفاده رایگان از مترجم در صورتی که کودک قادر به درک زبان مورد استفاده (در دادگاه) نباشد.

۷) محرمانه بودن کامل موضوع در طول تمام مراحل دادرسی.

۳. کشورهای عضو در جهت افزایش وضع قوانین و مقررات و تأسیس مقامات و مؤسساتی که خصوصاً مربوط به کودکان متهم، یا مجرم به نقض قانون کیفری باشند، تلاش خواهند کرد و خصوصاً اقدامات ذیل را معمول خواهند داشت:

الف) قائل شدن حداقل سن برای نقض قانون کیفری به نحوی که زیر این سن، کودک فاقد مسئولیت کیفری باشد.

ب) در صورت تناسب و تمایل، وضع مقرراتی در جهت رفتار با این گونه کودکان بدون توسل به دادرسی های قضائی، به شرطی که حقوق بشر و ضمانت های حقوقی کاملاً رعایت شود.

۴. تأمین مسائلی از قبیل مقررات نگهداری، راهنمایی، نظارت، مشاوره،

تعلیق مجازات، فرزندخواندگی، تعلیم و تربیت و برنامه‌های آموزشی حرفه‌ای و سایر اقدامات دیگر در جهت تضمین این که با کودکان رفتاری متناسب با رفاه و شرایط و جرم ارتكابی آنها خواهد شد.

ماده ۴۱

هیچ‌یک از (مواد) کنوانسیون حاضر، قوانینی که در جهت تحقق حقوق کودک مؤثرتر بوده و جزء موارد زیر می‌باشد را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد:

الف) قانون کشور عضو، یا

ب) قانون بین‌المللی لازم‌الاجرا در آن کشور.

بخش ۲

ماده ۴۲

کشورهای عضو موظف هستند اصول و مقررات کنوانسیون را به طرقی مناسب و فعال و به نحوی یکسان به اطلاع بزرگسالان و کودکان برسانند.

ماده ۴۳

۱. به منظور بررسی پیشرفت کشورهای عضو در جهت تحقق تعهداتشان در قبال کنوانسیون حاضر، می‌بایست کمیته‌ای در مورد حقوق کودک برای انجام وظایفش که ذکر خواهد شد، تشکیل گردد.
۲. کمیته شامل ده کارشناس با موقعیت عالی از نظر اخلاقی و با صلاحیت در زمینه‌هایی که در این کنوانسیون ذکر شده، خواهد بود. اعضای کمیته توسط کشورهای عضو از میان اتباع خود انتخاب می‌شوند و با مسئولیت شخصی خودشان خدمت خواهند کرد. در این زمینه به پراکندگی جغرافیایی برابر و نیز سیستم‌های حقوقی عمده توجه خاص خواهد شد.
۳. اعضای کمیته توسط کشورهای عضو با رأی‌گیری مخفی از میان لیست نامزدها انتخاب می‌شوند. هر یک از کشورهای عضو می‌توانند یک نفر از اتباع خود را نامزد کنند.
۴. انتخابات اولیه کمیته ظرف کمتر از ۶ ماه پس از تاریخ به اجرا در آمدن

کنوانسیون و پس از آن هر ۲ سال یکبار انجام خواهد شد. حداقل ۴ ماه قبل از هر انتخابات، دبیرکل سازمان ملل طی نامه‌ای از کشورهای عضو خواستار تعیین نامزدهای خود طی ۲ ماه می‌شود. دبیرکل متعاقباً بر حسب الفبای لیستی از اشخاص نامزد شده و کشورهایی که آنان را نامزد کرده، تهیه کرده و آن را به کشورهای عضو کنوانسیون تسلیم خواهد نمود.

۵. انتخابات در اجلاس‌های کشورهای عضو که توسط دبیرکل در مقرهای سازمان ملل افتتاح می‌شود، انجام می‌گیرد. در آن اجلاس‌ها که با حضور دو سوم از کشورهای عضو رسمیت خواهد یافت، اعضای کمیته از میان کسانی که بیشترین آراء و اکثریت مطلق آرای نمایندگان حاضر و رأی دهنده کشورهای عضو را کسب کرده‌اند، برگزیده می‌شوند.

۶. اعضای کمیته برای مدت ۲ سال انتخاب می‌شوند. این افراد در صورت نامزدی مجدد حق انتخاب شدن مجدد را دارا می‌باشند. مدت خدمت ۵ تن از اعضای منتخب در اولین انتخابات در پایان ۲ سال خاتمه می‌یابد؛ بلافاصله پس از اولین انتخابات اسامی این پنج تن توسط رئیس جلسه و از طریق قرعه‌کشی مشخص خواهد شد.

۷. در صورت فوت، استعفا و یا اعلام عدم توانائی انجام وظیفه اعضای کمیته به هر دلیل، کشوری که این عضو را نامزد کرده به شرط تأیید کمیته کارشناس دیگری را از میان اتباع خود برای خدمت در مدت باقی مانده انتخاب خواهد کرد.

۸. کمیته مقررات مربوط به خود را وضع خواهد کرد.

۹. کمیته مأموران خود را برای یک دوره ۲ ساله انتخاب خواهد کرد.

۱۰. جلسات کمیته به طور عادی در یکی از مقرهای سازمان ملل یا هر محل مناسب دیگری که توسط کمیته تعیین می‌شود، تشکیل می‌گردد. کمیته به طور عادی سالانه تشکیل جلسه می‌دهد. مدت جلسات کمیته در جلسه‌ای با شرکت کشورهای عضو کنوانسیون حاضر و با تأیید مجمع عمومی تعیین شده و در صورت لزوم قابل تغییر خواهد بود.

۱۱. دبیرکل سازمان ملل تجهیزات و پرسنل لازم را برای مفید واقع شدن عمل کردهای کمیته، طبق کنوانسیون حاضر فراهم خواهد نمود.

۱۲. با تأیید مجمع عمومی، اعضای کمیته‌ای که طبق کنوانسیون حاضر تشکیل می‌شود، در طی مدت خدمت از محل بودجه سازمان ملل و طبق شرایطی که مجمع عمومی تعیین می‌کند، حقوق دریافت خواهند کرد.

ماده ۴۴

۱. کشورهای عضو متقبل می‌شوند که از طریق دبیرکل سازمان ملل گزارشاتی را در مورد اقداماتی که برای تحقق حقوق شناخته شده در این کنوانسیون به عمل آورده‌اند و پیشرفت‌های حاصله را به کمیته تسلیم کنند:
- (الف) ظرف ۲ سال پس از به اجرا در آمدن کنوانسیون در مورد کشور مربوطه (ب) و پس از آن هر ۵ سال یکبار
۲. گزارشاتی که طبق ماده حاضر تهیه می‌شوند می‌بایست عوامل و مشکلاتی را که احتمالاً در سر راه انجام تعهدات وجود دارد، نشان دهند. این گزارشات هم چنین باید شامل اطلاعات کافی در جهت دادن تصویری جامع از اجرای کنوانسیون در کشور مربوطه باشد.
۳. کشوری که یک گزارش اولیه جامع به کمیته ارائه کرده است، می‌تواند از ارائه اطلاعات سیاسی که قبلاً طبق پاراگراف ۱ (الف) ماده حاضر فراهم کرده، خودداری کند.
۴. کمیته می‌تواند از کشورهای عضو خواهان اطلاعات بیشتری در مورد نحوه اجرای کنوانسیون شود.
۵. کمیته هر دو سال یکبار از طریق شورای اجتماعی و اقتصادی گزارشاتی را در مورد فعالیت‌های خود به مجمع عمومی ارائه خواهد کرد.
۶. کشورهای عضو می‌بایست گزارشات خود را در کشورهايشان به طور گسترده در اختیار عموم بگذارند.

ماده ۴۵

- به منظور تسریع در اجرای مؤثر کنوانسیون و تشویق همکاری‌های بین‌المللی در زمینه‌های مندرج در آن:
- (الف) سازمان‌های تخصصی، صندوق کودکان سازمان ملل و سایر ارگان‌های آن سازمان می‌توانند در حوزه اختیاراتشان بر اجرای مواد این کنوانسیون نظارت کنند. کمیته می‌تواند بر حسب مورد از سازمان‌های تخصصی، صندوق کودکان سازمان ملل و سایر ارگان‌های ذی‌صلاح در زمینه‌هایی که به اختیارات مربوط می‌شود، جهت ارائه نظرات تخصصی در مورد اجرای کنوانسیون، دعوت به همکاری کند. کمیته هم چنین می‌تواند از سازمان‌های تخصصی، صندوق کودکان سازمان ملل و سایر ارگان‌های

سازمان ملل بخواهد در مورد اجرای کنوانسیون در زمینه‌هایی که به اختیارات آنان مربوط می‌شود، گزارشاتی را ارائه نمایند.

ب) کمیته می‌تواند بر حسب مورد گزارشات کشورهای عضو را که حاوی درخواست و یا اعلام نیاز به همکاری و مساعدت‌های فنی است به ضمیمه نظرات و پیشنهادات خود به سازمان‌های تخصصی، صندوق کودکان سازمان ملل و سایر ارگان‌های ذی‌صلاح ارسال دارد.

ج) کمیته می‌تواند به مجمع عمومی توصیه کند که از دبیر کل بخواهد از طرف خود مطالعاتی را در مورد موضوعات ویژه مربوط به حقوق کودکان تقبل نماید.

د) کمیته می‌تواند براساس اطلاعات واصله، در اجرای مواد ۴۴ و ۴۵ کنوانسیون، پیشنهادات و نظرات کلی خود را اعلام کند. این پیشنهادات و نظرات به کشور عضو مربوط ارسال خواهد شد و به همراه نظرات کشور عضو به مجمع عمومی گزارش خواهد گردید.

بخش ۳

ماده ۴۶

این کنوانسیون در اختیار تمام کشورها جهت امضا قرار خواهد گرفت.

ماده ۴۷

این کنوانسیون منوط به تصویب است. اسناد تصویب نزد دبیر کل سازمان ملل باقی خواهد ماند.

ماده ۴۸

تمام کشورها می‌توانند به عضویت این کنوانسیون درآیند، اسناد عضویت نزد دبیر کل سازمان ملل به ودیعه خواهد ماند.

ماده ۴۹

۱. این کنوانسیون ۳۰ روز پس از تاریخ به ودیعه گذاشتن بیستمین سند تصویب یا عضویت، نزد دبیر کل سازمان ملل قابل اجرا خواهد بود.

۲. برای هر کشوری که پس از به ودیعه گذاشته شدن بیستمین سند تصویب یا عضویت، کنوانسیون حاضر را تصویب کند یا به عضویت آن درآید، این کنوانسیون ۳۰ روز پس از زمان به ودیعه گذاردن اسناد عضویت یا تصویب کشور مربوطه قابل اجرا خواهد بود.

ماده ۵۰

۱. هر یک از کشورهای عضو می‌توانند اصلاحیه‌ای را پیشنهاد کرده و آن را برای دبیرکل سازمان ملل نیز ارسال کنند. دبیرکل، اصلاحیه پیشنهادی آن را با سایر کشورهای عضو در میان می‌گذارد و از آنان در مورد تشکیل کنفرانس کشورهای عضو به منظور بررسی و رأی‌گیری در مورد پیشنهادات واصله نظرخواهی می‌کند. در صورتی که ظرف ۴ ماه پس از اعلام دبیرکل، حداقل یک سوم کشورهای عضو، موافق با تشکیل چنین کنفرانسی باشند، دبیرکل کنفرانس را به کمک سازمان ملل افتتاح خواهد کرد. اصلاحیه‌ای که مورد تصویب اکثریت کشورهای عضو حاضر در کنفرانس قرار گیرد، جهت تصویب به مجمع عمومی فرستاده خواهد شد.

۲. هر اصلاحیه‌ای که مطابق پاراگراف اول این ماده تصویب شود، پس از تصویب مجمع عمومی سازمان ملل و پذیرش دو سوم اکثریت کشورهای عضو قابل اجرا خواهد بود.

۳. پس از به اجرا درآمدن یک اصلاحیه فقط کشورهای آن که آن را پذیرفته‌اند، موظف به اجرای آن می‌باشند. سایر کشورهای عضو همچنان موظف به رعایت این کنوانسیون و سایر اصلاحیه‌های قبلی که آنها را پذیرفته‌اند خواهند بود.

ماده ۵۱

۱. دبیرکل سازمان ملل متن نظرات کشورها را در هنگام تصویب یا عضویت دریافت کرده و در اختیار سایر کشورها خواهد گذاشت.

۲. نظرات مغایر با اهداف و مقاصد این کنوانسیون ممنوع بوده و دریافت نخواهد شد.

۳. نظرات را می‌توان در هر زمان از طریق اعلام به دبیرکل سازمان ملل پس گرفت. دبیرکل تمام کشورها را نیز در جریان خواهد گذاشت. این اعلام از

تاریخی که به دست دبیر کل می‌رسد، قابل اجرا خواهد بود.

ماده ۵۲

کشورهای عضو می‌توانند از طریق ارسال یک اعلان کتبی به دبیر کل از عضویت کنوانسیون خارج شوند. این امر یک سال پس از تاریخ دریافت اعلان توسط دبیر کل قابل اجرا خواهد بود.

ماده ۵۳

دبیر کل سازمان ملل به عنوان امانت‌دار این کنوانسیون انتخاب شده است.

ماده ۵۴

نسخه اصلی کنوانسیون حاضر به همراه ترجمه عربی، چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی آن که همگی از اعتبار یکسان برخوردار است، نزد دبیر کل سازمان ملل به ودیعه گذاشته خواهد شد. با حضور نمایندگان تام‌الاختیار که از طرف دولت‌های متبوع خود دارای اختیار هستند، این کنوانسیون امضا گردید.

منبع: ملل متحد

